

خانواده زندانیان حامی ندارند

صفحه ۳

خبرنگار مهر تابان در جدیدترین گزارش خود از شکست انجمن حمایت زندانیان مرکز در جذب خیرین و ارائه خدمات به خانواده زندانیان گفته و آنکه از آیت الله رئیسی می خواهد این انجمن را از سازمان زندانها جدا کند و مردمی اداره شود.

گزارش مهر تابان از توقف پرونده ایجاد شهرک بزرگ گلخانه ای در جنوب تهران غلط می کنی شهرک گلخانه بزنیا!

صفحه ۲

برادر شهید در دادگاه گوشت های فاسد

صفحه ۲

ارسال گزارش ویژه سازمان مدیریت تهران توزیع ۸۵ هزار میلیارد تومان اعتبار ارزش افزوده در استان تهران

مسعود شفیعی رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، گزارش کاملی از توزیع ۸۵ هزار میلیارد تومان ارزش افزوده در ۱۶ شهرستان استان تهران را در اختیار هفته نامه مهر تابان قرار داد که سهم هر شهرستان از این اعتبارات در سال ۹۹ چه میزان بوده است؟



پس از افشای تخلفات زیست محیطی از سوی کارشناسان دادگستری

آراد کوه ۸ میلیون تومان جریمه شد!

صفحه ۲

پرونده مرگ های مشکوک در شهرستان ری

ویروس کرونا؛ خبرنگار مهر تابان پس از اطلاع از ۲ مرگ مشکوک در شهرستان ری به سراغ خانواده های متوفیان رفت و آنها اعلام کردند که این مرگ ها برافرتزترین و آکسن کرونا بوده است. گزارشی از وضعیت واکسن چینی کرونا و گفته های کارشناسان و وزارت بهداشت ایران و همچنین اظهارات خانواده متوفیان در هفته نامه مهر تابان منتشر شد اما هنوز نظر قطعی و کارشناسانه سازمان پزشکی قانونی ایران رسانه ای نشده است.

متن کامل اعتراضی گروهی از فرهنگیان منتشر شد

جدایی زوج های معلم از یکدیگر در لیست اعتراضات فرهنگیان

صفحه ۷

حقوق بشر فدای وزارت امور خارجه شد

گزارش مهر تابان در مورد پرونده شکنجه یکی از رزمندگان دوران دفاع مقدس در زندان های ژاپن و سکوت وزارت امور خارجه در احقاق حق او

صفحه ۴

بر اساس اخبار و مشاهدات شهروندان روایت می کند که هواداران برخی از کاندیداهای شورای شهر در شهرستان ری به ازای دادن تریاک برای کاندیدای مورد نظر خود رای جمع می کنند.

صفحه ۴

تریاک بگیر؛ رای بده

سردار ضد فساد و صلاحیت شد!

هوادارانش تصور نمی کردند او رد صلاحیت شود اما شد!



چه کسی قاضی القضاات می شود؟

از میان ۴ گزینه نهایی برای تصدی قوه قضائیه ۲ گزینه شانسی کمتری دارند و رقابت میان غلامحسین محسنی اژه ای و حمید شهریاری نزدیک تر است و باید منتظر ماند تا نتیجه انتخابات تکلیف را روشن کند.

۸

سکوت در برابر توهین به رهبری

حتی بیانیه صادر نشد!

یکی از کاندیداهای تائید صلاحیت شده شهر کهریزک از توابع شهرستان ری که از سوی هیات اجرایی این شهرستان به ریاست حسین توکلی فرماندار تائید شده است در کانال خبری غیر قانونی خود (اینستاگرام) به نام صدای کهریزک اقدام به پخش فیلم و تصویر یک بازیگر فراری دهه ۴۰ کرد. در این تصویر و فیلم انتخابات زیر سوال رفته و همانطور که در تصویر منتشر شده شهروندان مشاهده کردند به مقام معظم رهبری توهین شده است. این موضوع از سوی برخی از خبرنگاران به مسئولان ارشد شهرستانی و کهریزک گزارش شد اما اقدامی از سوی مقامات قضایی و امنیتی و فرمانداری ری به ویژه پلیس فتا شهری رخ نداد. البته رئیس دادگستری کهریزک اعلام کرد که این پرونده در اختیار دادگاه انقلاب است و باید از سوی دادستانی ری اقدام شود. هر چند این فرد علی رغم اعتراضات تائید صلاحیت شد!!!!

۱۰

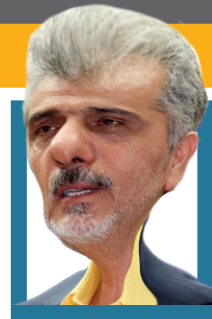


پرونده مشکوک «رضاعباسی»

گفتگو با عضو سابق شورا

در مورد دلایل سلب صلاحیت و خروج او از شورا و پرونده ای که برایش تشکیل شد چند ساعته گپ زدیم که برای از اظهاراتش قابل تأمل بود. برای همین صبر می کنم تا رای تجدید نظر صادر شود و اگر او درست گفته باشد داستان تغییر می کند!

۷



انتقاد مردم به آقای شهردار!

نتیجه یک پویش مردمی

پس از اعلام پویش مردمی انتقاد از عملکرد ۴ دوره شهرداری سعیداستادفرج شهردار باقر شهر بدون واسطه؛ مردم برای نخستین بار به رسانه اعتماد کرده و درد و دل های خود را با خبرنگار مهر تابان در میان گذاشتند

۵



خیانت به آیت الله رئیسی!

سید هادی کسایی زاده سردبیر

در حالی که تصور بر این است که آیت الله رئیسی بهترین گزینه برای ریاست جمهوری است اما او در دام سیاستمداران اصولگرا افتاده و صندلی ریاست جمهوری خیانت به جایگاه و شخصیت و کارنامه او محسوب می شود.

۸

خبرنگار ضد فساد مستقر در شهرستان ری در پایگاه خبری جامعه خبر رسما اعلام کرد که برای دریافت فیلم و مستندات مربوط به هرگونه اقدام برای خرید و فروش رای در شهرستان ری ۵ میلیون تومان هدیه داده می شود. این خبرنگار گفته است که این هزینه را از زندگی خود برداخت می کند و نقش فرمانداری و دستگاه های نظارتی و امنیتی را در پیشگیری از فساد در انتخابات ایفا می کند. او از مردم خواسته تا اجازه ندهند رای آنها خرید و فروش شود.

صفحه ۱

هدیه ده میلیون تومانی افشای خرید و فروش رای

پس از رسانه ای شدن خروج رضاعباسی از شورای شهر کهریزک در هفته نامه مهر تابان و الزام ورود علی البدل به شورا رسماً علی توسرکاتی وارد شورای شهر کهریزک شد.

علی البدل وارد شورای کهریزک شد!

بر اساس آمارها در سال ۹۴ آموزش به خانواده زندانیان ۷۷۵ خانواده و در سال ۹۹ این عدد به ۱۳۸ مورد کاهش یافته است. همچنین در سال ۹۴ آزادی زندانی ۱۸۷ مورد و در سال ۹۹ این عدد فقط ۱۰۰ مورد ثبت شده است. و در آمد انجمن در این ۶ سال افزایش نداشته است!



خانواده زندانیان حامی ندارند



جرم: خانواده زندانیان

jamehnews.com

وقتی فرد و گروهی تفکر دولتی و قضایی و انتظامی داشته و تجربه ای در مدیریت سمن ها و اقتصاد خانواده و بازار نداشته باشند طبیعتاً نمی توانند انجمنی را که باید به اقتصاد و فرهنگ یک خانواده زندانی کمک کند را مدیریت کنند. کمک مردم برای آزادی زندانیان عمد در رسانه ملی نشان داد که مردم حاضرند کمک کنند اما اینکه از این ظرفیت انجمن نتوانسته بهره برداری داشته باشد نشانه سوء مدیریت آن است. برای همین بهتر است آیت الله رئیسی جدای از روزهای انتخاباتی که در پیش دارد نیم نگاهی هم به جدایی بنیاد تعاون زندانیان از انجمن حمایت زندانیان مرکز و همچنین چیدمان چارت آن و تغییر در اساسنامه انجمن داشته باشد. قطعاً اگر این تشکل دولتی به تشکلی مردمی همانند ستاد دیه کشور یا نهادهای مرتبط تبدیل شود شاهد تحولات خوبی در نگهداشت خانواده زندانیان از آسیب های اجتماعی و اقتصادی خواهیم بود. نکته دیگر اینکه انجمن های حمایت زندانیان در استان ها باید با هم یکپارچه و تحت یک مدیریت واحد قرار داشته باشند نه اینکه هر کدام به طور جزیره ای عمل کنند و این بسیار بهتر است.

شد و زیر مجموعه سازمان زندانهای کشور قرار گرفت. حالاً امروز بنیاد تعاون زندانیان به یک غول اقتصادی تبدیل شده و فقط اسما زیر مجموعه سازمان زندانها و در کل قوه قضائیه قرار دارد و به هیچ عنوان هم اطلاعات مربوط به امور درآمدی و هزینه ای خود را شفاف در اختیار رسانه ها قرار نمی دهد. پس از ورود آیت الله رئیسی به ریاست قوه قضائیه مدیرعامل این بنیاد در کوتاهترین زمان برکنار شد. اما باز هم خبری از دسترسی آزاد به اطلاعات در این بنیاد نیست.

شکست ارائه خدمات انجمن حمایت زندانیان مرکز در سال ۹۹

این در حالی است که انجمن حمایت زندانیان مرکز وظیفه پرداخت مستمری، هزینه تحصیلی دانش آموزان، هزینه های درمانی، اقساط، عیدی، ایاب و ذهاب، مشاوره، فرهنگی، آموزشی، سبد کالا و کمک های نقدی به خانواده های زندانیان را برعهده دارد. آیا با مستمری ماهانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان یک خانواده زندانی می تواند امورات خود را بگذراند؟ بر اساس آمارهای رسمی در سال ۹۹ تعداد ۱۹ هزار مراجعه کننده به انجمن حمایت زندانیان مرکز ثبت شده که از این تعداد ۱۷۰۰ نفر به کمیته امداد و ۲۸۴ نفر به بهزیستی و ۲۸۰۰ نفر به سایر مراکز حمایتی معرفی شدند که جمع کمک ها فقط از سوی انجمن حمایت حدود ۷ میلیارد تومان بوده است. این در حالی است که درآمد انجمن حمایت زندانیان مرکز در سال ۹۴ حدود ۷ میلیارد تومان بوده است که با توجه به تورم اقتصادی کشور باید گفت که انجمن حمایت زندانیان مرکز یک شکست بزرگ اقتصادی و درآمدی داشته و به تبع آن میزان کمک های آنان به خانواده زندانیان کاهش یافته است.

بر اساس آمارها در سال ۹۴ آموزش به خانواده زندانیان ۷۷۵ خانواده و در سال ۹۹ این عدد به ۱۳۸ مورد کاهش یافته است. همچنین در سال ۹۴ آزادی زندانی ۱۸۷ مورد و در سال ۹۹ این عدد فقط ۱۰۰ مورد ثبت شده است. سید هادی کسایی زاده که عنوان یاور خانواده زندانیان را از سوی این انجمن در کارنامه خود دارد می گوید: یکی از چالش های این انجمن آن است که مدیران بازنشسته یا مامور به خدمت و غیره بر آن مدیریت می کنند. تفکر مدیریت بر سازمان مردم نهاد و استفاده از ظرفیت نیروهای داوطلب و پویش های مردمی به هیچ عنوان مشاهده نمی شود. حتی روابط عمومی این انجمن اقدام قابل قبولی برای جذب خیرین از طریق فضای مجازی، رسانه ها، رسانه ملی، تولید محتوا و غیره ... در کارنامه خود ندارد. جالب تر آنکه پیش از این انجمن با من همکاری داشت و سالانه چندین خانواده را از طریق معرفی خانواده های بسیار نیازمند به اینجانب توانمند می کردم اما دیگر خانواده ای به من بعنوان خیر داوطلب و یاور خانواده زندانیان معرفی نمی کنند. وی گفت: وقتی فرد و گروهی تفکر دولتی و قضایی و انتظامی داشته و تجربه ای در مدیریت سمن ها و اقتصاد خانواده و بازار نداشته باشند طبیعتاً نمی توانند انجمنی را که باید به اقتصاد و فرهنگ یک خانواده زندانی کمک کند را مدیریت کنند. این نکته را هم باید متذکر شوم که کمک مردم برای آزادی زندانیان عمد در رسانه ملی نشان داد که مردم حاضرند کمک کنند اما اینکه از این ظرفیت انجمن نتوانسته بهره برداری داشته باشد نشانه سوء مدیریت آن است.

برای همین بهتر است آیت الله رئیسی جدای از روزهای انتخاباتی که در پیش دارد نیم نگاهی هم به جدایی بنیاد تعاون زندانیان از انجمن حمایت زندانیان مرکز و همچنین چیدمان چارت آن و تغییر در اساسنامه انجمن داشته باشد. قطعاً اگر این تشکل دولتی به تشکلی مردمی همانند ستاد دیه کشور یا نهادهای مرتبط تبدیل شود شاهد تحولات خوبی در نگهداشت خانواده زندانیان از آسیب های اجتماعی و اقتصادی خواهیم بود. نکته دیگر اینکه انجمن های حمایت زندانیان در استان ها باید با هم یکپارچه و تحت یک مدیریت واحد قرار داشته باشند نه اینکه هر کدام به طور جزیره ای عمل کنند و این بسیار بهتر است.

مهرتابان/ این گزارش به مناسبت ۵ خرداد روز حمایت از خانواده زندانیان منتشر می شود تا مسئولان عالی قوه قضائیه، مجلس و دولت بدانند که خانواده زندانیان در جمهوری اسلامی ایران هیچ حامی ندارند و آنها واقعا رها شدند!

بر اساس این گزارش، آمارهای رسمی زندانیان همیشه جزو مخفی ترین آمارها بوده اما برای نخستین بار (سید هادی کسایی زاده) خبرنگار وقت خبرگزاری مهر آمار رسمی زندانیان ایران را منتشر کرد. کسایی زاده در آذرماه ۱۳۹۱ در خبرگزاری مهر گزارشی منتشر کرد و در آن اعلام کرد که ایران ۲۵۰ هزار زندانی دارد. آماري که موجب واکنش تند غلامحسین اسماعیلی رئیس وقت سازمان زندانهای کشور در حین مصاحبه و پرسش این خبرنگار از او شد. اما جدای از آمار زندانیان یکی از مهمترین آسیب های جدی در کشور رسیدگی و حمایت از خانواده زندانیان است که متأسفانه علی رغم فعالیتی اسمی نهادهای ارگان های مسئول اما توجه خاصی به آن نمی شود. کسایی زاده (خبرنگار حوزه قضایی) پس از ورود به زندان اوین و زندان بزرگ پایتخت و کانون اصلاح و تربیت وارد انجمن حمایت زندانیان مرکز شد تا تحقیقات خود را بعنوان روزنامه نگار تحقیقی در حوزه آسیب های اجتماعی ویژه خانواده زندانیان کامل کند. در این تحقیقات که طی مصاحبه با ۲۰۰ خانواده زندانی فقیر و نیازمند و مشاوران و کارشناسان این حوزه انجام شد، مشخص شد که ۶۰ درصد خانواده زندانیان بیکارند، خشونت و رفتارهای جنسی پرخطر دومین آسیب اجتماعی خانواده هاست، سکوت قانون در برابر حمایت از آنها و پایین بودن اعتماد به نفس خانواده ها بزرگترین چالش در حوزه اجتماعی برای آنها محسوب می شود. با پیشنهاد سید هادی کسایی زاده به محسن نصیری رئیس وقت انجمن حمایت خانواده زندانیان مرکز در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۵ قرار شد یک شماره از ماهنامه «مهرحامی» وابسته به این انجمن بر اساس تحقیقات خبرنگار و کار ژورنالیستی جمع آوری، طراحی، سردبیری و منتشر شود تا الگوی مناسبی برای ارائه به مسئولان سازمان زندانها جهت برنامه ریزی انجمن قرار بگیرد. همچنین او پیشنهاد داد تا این نشریه و ایجاد فضای استارتآپی خانواده ها را برای ورود به بازار و اقتصاد و پیشگیری از وقوع جرم تربیت و آموزش دهد. در شماره ۱۳۹ این ماهنامه که ۵ خرداد ۱۳۹۵ در ۸۰ صفحه منتشر و توزیع شد گفتگوها و گزارش های کارشناسی، مدیریتی، خانواده محور، فرهنگی و اجتماعی با هدف شکل گیری نظام جدیدی در نگاه به ظرفیت خانواده زندانیان شکل گرفت که متأسفانه به دلیل تنگ نظری مجموعه روابط عمومی و رسانه قوه قضائیه وقت اجازه انتشار این ماهنامه دیگر با این کیفیت صادر نشد و تمامی برنامه ها و ایده ها عقیم ماند و حتی رئیس انجمن هم تغییر کرد.

چرا بنیاد تعاون زندانیان از انجمن حمایت جدا شد؟

اما داستان فقط موضوع ماهنامه نیست. سید هادی کسایی زاده روزنامه نگار می گوید: اساسنامه انجمن حمایت از زندانیان مرکز در سال ۱۳۲۰ تدوین شد. اصل اساسنامه خوب بود اما در سال ۱۳۶۲ یک جریان احتمالی با هدف خاص انجمن را از خصوصی و NGO بودن به انجمنی دولتی تغییر داد و همین داستان را خراب کرد. نویسنده کتاب خبرنگار حرفه ای می گوید: در تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۶۳ شورای عالی قضایی اساسنامه بنگاه تعاون را زیر مجموعه انجمن حمایت از زندانیان مرکز با امضاء مرتضی مقتدایی ابلاغ می کند و رسماً انجمن دارای پشتوانه محکم و بزرگ مالی می شود. این بنگاه وظیفه داشت تا تمامی امور موسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی در زندانها را مدیریت کرده و در حوزه اشتغال زندانیان فعالیت داشته باشد. اما متأسفانه این بازوی بزرگ مالی باز هم به دلایلی خاص و مشکوک از انجمن حمایت زندانیان مرکز جدا

بخشداری کهریزک سنگ اندازی زیادی برای تولید در راه من قرارداد و هر سازی زدند من باهمان ساز...! گفتند: اگر زمین ها را قطعه قطعه کنی و بفروشی در آینده این زمین ها با کلی مدعی روبرو می شود و نظم بخش را بهم می ریزد؟ گفتم: چشم! تعهد محضری می دهم این کار را نکنم! گفتند: این تعهد به درد نمی خورد باید ما با یک فرد روبرو و طرف باشیم و تو باید مجوز محکم تری داشته باشی و یک شرکت هم ایجاد کنی؟! گفتم: چشم

حمله به شعار سال

مانع تراشی در برابر یک کار آفرین؛ غلطی کنی گلخانه بزنی!

بخشداری کهریزک اعلام کرد اجازه ایجاد گلخانه به او نمی دهد! رضا خاوری در گفتگو با سید هادی کسایی زاده (خبرنگار ضد فساد) می گوید: رویای من ایجاد شهرک گلخانه بود برای همین مجوزهای لازم را گرفتم که موجب اشتغال ۵۰۰ نفر می شود و انقلابی در فقیرترین بخش تهران رخ خواهد داد.

اما بخشداری کهریزک سنگ اندازی زیادی برای تولید در راه من قرارداد و هر سازی زدند من باهمان ساز...! گفتند: اگر زمین ها را قطعه قطعه کنی و بفروشی در آینده این زمین ها با کلی مدعی روبرو می شود و نظم بخش را بهم می ریزد؟ گفتم: چشم! تعهد محضری می دهم این کار را نکنم! گفتند: این تعهد به درد نمی خورد باید ما با یک فرد روبرو و طرف باشیم و تو باید مجوز محکم تری داشته باشی و یک شرکت هم ایجاد کنی؟! گفتم: چشم و رقوم در تاریخ ۹ آذرماه ۱۳۹۹ مجوز ایجاد شهرک گلخانه ای به شماره مجوز ۹۹۲۴۱۱۱۰۱۲۲ از سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی ایران اخذ کردم.

بالاخره در تاریخ ۱۲ دی ماه ۱۳۹۹ جلسه ای با حضور امین بابایی بخشدار، معرب معاون بخشدار، معصومه علیدخت رئیس اداره بازرسی و امور حقوقی فرمانداری ری، جبرئیل برادری مدیر اداره جهاد کشاورزی شهرستان ری، علی کلهر رئیس شورای اسلامی بخش کهریزک و نماینده اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان ری تشکیل شد و دوباره یک خوان دیگر جلوی راه من قراردادند و من مجبور شدم طرح شهرک گلخانه ای را از تک مالکی به هیئت امنائی تغییر دهم و یک شرکت در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹ به شماره ثبت ۵۷۳۱۶۲ به شماره ملی ۱۴۰۰۹۸۱۲۸۵۰ با نام «رایان گلخانه ابریشم» هم تاسیس کردم تا کل بخش در مورد زمین های گلخانه ای من با شرکت طرف باشد و شرکت هم با شرکا و صاحبان زمین طرف حساب باشد.

حالا من با ۲۹ هکتار زمین آماده ایجاد شهرک گلخانه و ۶ میلیارد تومان هزینه ای که تاکنون انجام داده ام در سال مانع زدایی ها با مانع بزرگی به نام بخشداری کهریزک و فرمانداری ری روبرو هستم.

نکته قابل تاسف آن است که هدف این گلخانه اشتغال نیازمندان است و مادرم از خیرین باقرشهر است. تعجب می کنم که تمام کارها و محکم کاری ها برای جلوگیری از زمین خواری و قطعه بندی زمین و غیره را انجام دادم اما باز هم سنگ اندازی می کنند.

سید هادی کسایی زاده نوشت: هرچه مدارک را ورق می زنی چیزی جز مجوزهای قانونی نمی بینم! تعجب می کنم که هزاران هکتار زمین های کشاورزی در دل کهریزک از سوی مافیای زباله و پلاستیک بدون مجوز تسخیر شده و بر خلاف قانون خاک و هوا را آلوده کردند اما بخشداری کهریزک و فرمانداری ری هیچ اقدام قانونی انجام ندادند اما برای یک کار آفرین این همه مانع تراشی کردند! آیا این برای مردم شائبه ایجاد نمی کند که نیتی برای عدم تحقق شعار سال رهبرانقلاب وجود خواهد داشت؟! این در حالی است که هم اکنون به درخواست فرمانداری شهرستان ری استانداردی تهران درخواست توقف پروژه را صادر کرده است.

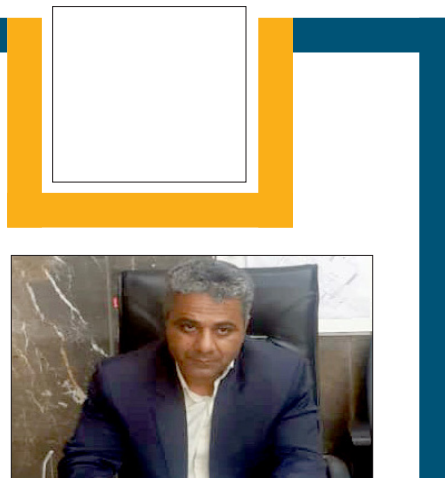
مهتابان / ماجرا از آنجائی آغاز شد که بخشداری کهریزک تصمیم گرفت در یک پرونده خاص در سال مانع زدایی ها برای یک کار آفرین مانع ایجاد کند! از سوی برخی مدیران به من (خبرنگار) گزارش شد که یک تولید کننده در حال تخلف و زمین خواری است برای همین تصمیم گرفتم تا با حضور در محل وقوع تخلف با او گفتگو کنم.

نامش برای من آشنا بود و در پرونده فساد ۳۰۰۰ میلیاردی صدها بار شنیده بودم اما ارتباطی با این پرونده نداشت. چراکه رضا خاوری معروف (مدیرعامل فراری سابق بانک ملی ایران) همچنان تحت تعقیب است اما این «رضا خاوری» متولد ۱۳۵۵ ساکن باقر شهر از عشایر شیراز بود و ارتباطی هم با فراری کانادا نشین نداشت!

فرزند یک دامدار عشایری است که آرزویش داشتن یک گلخانه با کلی کارگر و کشاورز بود. اما در سن ۷ سالگی پس از فوت پدر، تقریباً این آرزو را از ذهنش پاک می کند. او محکوم به کار کردن بود تا بخشی از مخارج زندگی مادر و ۶ خواهر و برادرش را تأمین کند. رضا خاوری بعد از پایان خدمت سربازی ازدواج کرد اما به جای کشاورزی و دامداری به شغل شریف مسافرکشی روی می آورد! دلالتی خودرو و کار در بازار جواب آرزوهایش را نمی داد تا اینکه با اندک پس انداز روزهای سخت زندگی وارد بازار داغ املاک شد.

یک روز فردی به نام حاج یدالله قربانی (مرحوم) که از اقوام همسر رضا خاوری بود به او پیشنهاد می دهد قطعه زمینی در اطراف روستای قلعه نوچمن از توابع بخش کهریزک خریداری کند. رضا هم قبول می کند و در سال ۱۳۸۷ صاحب ۱۰۰۰ متر زمین قسطی می شود! اقساط در سال ۱۳۹۷ تمام شد و وسعت زمین ها هم آرام آرام افزایش یافت و با مشورت خانواده حتی سرمایه ارثیه پدری هم به زمین ها اضافه شد. در یکی از روزها فرشته نجات آقا رضا (حاج یدالله قربانی) راضی می شود بخش دیگری از زمین های خود را که البته مملو از زباله های ساختمانی بود به او بفروشد تا رضا خاوری به رویای کودکی خود یعنی ایجاد یک گلخانه بزرگ دست یابد! با اینکه پول زیادی در میان نبود اما باز هم آقای قربانی با رضا راه آمد و زمین ها را قسطی به او فروخت.

رضا خاوری صافه از شهرری با چند نفر سرمایه گذار و صاحب زمین شریک شد و در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۹۸ با هزینه ۵ میلیارد تومانی زمین های مملو از زباله را پاکسازی و آماده ایجاد گلخانه کرد. او در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۹۸ موفق شد پروانه ایجاد گلخانه ۱۶ هکتاری و مجوز فروش ۴۰ قطعه از این گلخانه ای را از وزارت جهاد کشاورزی اخذ کند. وقتی برای پیگیری درخواست انشعاب گاز و برق به بخشداری کهریزک می رود به او می گویند بخشی از زمین های او به طور قطعه قطعه شده در اپلیکیشن دیوار به فروش گذاشته شده که این کار تخلف است؟! پس از بررسی هایی که خاوری انجام داد مشخص شد که مرحوم حاج یدالله قربانی قبل از مرگ برای فروش بخشی از زمین های این اقدام را انجام داده و بعداً منصرف شده است. بالاخره در تاریخ ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ استعلام های لازم و مورد نیاز بخشداری کهریزک را کرد اما متأسفانه



هر چه مدارک را ورق می زنی چیزی جز مجوزهای قانونی نمی بینم! تعجب می کنم که هزاران هکتار زمین های کشاورزی در دل کهریزک از سوی مافیای زباله و پلاستیک بدون مجوز تسخیر شده و بر خلاف قانون خاک و هوا را آلوده کردند اما بخشداری کهریزک و فرمانداری ری هیچ اقدام قانونی انجام ندادند اما برای یک کار آفرین این همه مانع تراشی کردند! آیا این برای مردم شائبه ایجاد نمی کند که نیتی برای عدم تحقق شعار سال رهبرانقلاب وجود خواهد داشت؟! این در حالی است که هم اکنون به درخواست فرمانداری شهرستان ری استانداردی تهران درخواست توقف پروژه را صادر کرده است.



پایگاه خبری تحلیلی «جامعه خبر»

Jamehnews.com

گزارش های حرفه ای را اینجا بخوانید

فساد، تخلف، کم کاری و کارهای

خوب را به ما گزارش دهید

۰۹۱۲۶۵۰۱۵۶۴ سردبیر

* کانال تلگرامی خبرنگار ضد فساد @Hadikasaei

* کانال آموزش خبرنگاری @Amozeshkhabar

خبرنگار ضد فساد و سردبیر هفته نامه مهر تابان در نامه‌ای رسمی بر اساس قانون دسترسی آزاد به اطلاعات سوالات مردمی را از شهردار باقرشهر منتشر و طی نامه‌ای رسمی به او ابلاغ کرد و بر اساس قانون شهردار ۱۰ روز فرصت دارد تا پاسخ دهد.

سعید استاد فرج
۴ دوره شهردار باقرشهر



باقرشهر

سوال مردمی از شهردار

شهردار باقرشهر همچنان سکوت کرده است

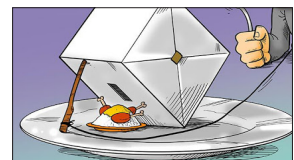
۱۴ میزان عوارض دریافتی از اتباع که شهرداری باقرشهر دریافت می کند چقدر است؟ از چه تعداد اتباع دریافت می شود؟ (۱۵) چه تعداد از نیروهای شهرداری مامور به خدمت در سایر دستگاه ها هستند؟ نام ببرید. که کدام نهادهای نیروهای شهرداری را به خدمت خود گرفته اند. (۱۶) مسئول نگهداری و نگهداری زورخانه باقرشهر کیست؟ آیا نسبت او با یکی از اعضای شورای شهر باقرشهر تأیید می شود؟ آیا برای اسکان او منزل مسکونی با کرایه رایگان داده شده است؟ حقوق و دستمزد او چقدر است؟ (۱۷) به صورت رسمی نحوه توزیع اعتبارات ارزش افزوده و نحوه هزینه کرد این اعتبارات در مجموعه شهرداری باقرشهر را ارائه کنید. چه پروژهای از این محل (ارزش افزوده) تأمین اعتبار و اجرا شده و ریز پروژه ها و گزارش پیشرفت آن ارائه شود. (۱۸) تعداد کارکنان رسمی و قراردادی طبق چارت سازمانی شهرداری باقرشهر چقدر است؟ و هم اکنون چند نفر به طور قراردادی و رسمی مشغول به کارند؟ چه تعداد از کارکنان باسفرش اعضای شورای شهر وارد مجموعه شهرداری باقرشهر شدند؟ (۱۹) هر شهرداری طبق قانون، درصدی از درآمدش (از عوارض نوسازی و مالیات بر ارزش افزوده و...) را باید به پژوهش اختصاص دهد شما برای این مهم چه کردید؟ (۲۰) آقای استاد فرج گفته شده شما در سال ۹۲ که شهردار شدید مدرک دیپلم داشتید آیا درست است یا نادرست؟ اگر مدرکی دارید ارائه کنید و اگر درست است چطور شد در کوتاهترین زمان لیسانس گرفتید؟ گفته شده بودجه ای را تحت عنوان پژوهش به دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) دادید تا به آنها کمک شود و مدرک تحصیلی هم مهر و امضای این دانشگاه را دارد؟ به گزارش مهر تابان این سوالات بر اساس ماده ۵؛ ماده ۷ و ماده ۸ قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» و عدم اجرای ماده ۷ و ماده ۹ و ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی این قانون از سوی شهرداری باقرشهر طی نامه ای مکتوب از شهردار باقرشهر رسماً مطالبه شد و او ۱۰ روز فرصت دارد تا پاسخ آن را طبق قانون به پرسش کننده کتبا پاسخ دهد و در غیر این صورت بر اساس این قانون پاسخگو خواهد بود.

را حذف کنند اما آقای استاد فرج شهردار فعلی باقرشهر سکونت ندارد با این حال همچنان شهردار است؟ چرا برخی از اعضای شورای شهر باقرشهر اقوام خود را وارد شهرداری باقرشهر کردند و همنام خودشان و حتی برادر خودشان است؟ مگر شهردار وظیفه مدیریت نیروی انسانی و شایسته گزینی را ندارد؟ چطور یکی از آنها علی رغم نداشتن شرایط لازم وارد مجموعه آتش نشانی باقرشهر شده است؟ (۴) چرا آمار کارمندان شهرداری باقرشهر ۲ برابر ظرفیت و استاندارد و چارت سازمانی است؟ (۵) چرا ساختمان بیمارستان باقرشهر با ساختمان شهرداری تعویض شد؟ چرا بیمارستان باقرشهر بعد از چندین سال هنوز ساخته نشده است؟ (۶) هزینه خرید ماهی های خارجی و نگهداری آکواریوم شهرداری باقرشهر چقدر است؟ آیا حقیقت دارد بیش از ۱۵۰ میلیون تومان هزینه داشته است؟ (۷) درختان نخل منطقه گرمسیری به چه قیمت و از کجا خریداری و در حیاط شهرداری کاشته شد؟ هزینه نگهداری آنها چقدر است؟ آیا حقیقت دارد برای گرم نگهداشتن آنها هیتروشن می کنید؟ (۸) معاون فعلی شهردار باقرشهر از اقوام نزدیک فرمانداری است. سوال این است که این فرد پیش از این تخصص و تجربه ای در امور مالی نداشت و چطور بعد از انتصاب فرماندار و انتصاب شهردار (سعید استاد فرج) این جابجایی رخ داده است؟ (۹) چرا جاده انرژی همچنان خاکی و متروکه است و به آن هیچ خدماتی ارائه نکردید؟ (۱۰) چرا علی رغم اینکه عوارض زیادی از ناحیه صنعتی فرخی برای شهرداری اخذ شد اما هیچ خدماتی اعم از زیرسازی و آسفالت و جدول کشی انجام نشد؟ (۱۱) چرا باقرشهر یک در مانگه شبانه روزی تخصصی ندارد و بیمارستان تبدیل به تالار شد؟ چرا تکلیف زمین بیمارستان و ساخت آن در این دوره هم روشن نشد؟ (۱۲) درآمد شهرداری باقرشهر در سال ۱۳۹۹ از جریمه های کمیسیون ماده ۱۰۰ چقدر بوده است؟ چرا اطلاع رسانی نکردید تا مردم مطلع باشند؟ (۱۳) مبلغ کل درآمد های شهرداری باقرشهر در سال ۱۳۹۹ چقدر بوده است؟ چرا بر اساس قانون اطلاع رسانی نکردید؟ (حق مردم است.

مهر تابان / نامش سعید استاد فرج است. کارشناس برنامه ریزی و جغرافیای شهری و کارشناس ارشد رشته جغرافیای سیاسی که در کارنامه خود ۵ سال فعالیت در امور اقتصادی دادستانی تهران را دارد. او مدیر اجرایی تعزیرات استان تهران، هشت سال شهردار اوشان فشم، شهردار شهرستان گلستان، شهردار لواسان، مدیرعامل سازمان همیاری و شهرداری های استان تهران و ۴ دوره هم بعنوان شهردار باقرشهر را در پرونده مدیریت اجرایی ثبت کرده است. البته او عضویت در کمیسیون های ماده ۱۰۰ شهرداری های لواسان، ورامین، باغستان، حسن آباد و کهریزک را هم در رزومه خود دارد که نشان دهنده تجربه زیاد او در بررسی تخلفات ساختمانی در کمیسیون های ماده ۱۰۰ است. سعید استاد فرج در حالی نام خود را پای مقاله های علمی در حوزه آلودگی محیطی، منابع آلاینده، تأثیرات زیستی کلاتشهر تهران و آلودگی محیط زیست در باقرشهر درج کرده که وضعیت زیست محیطی باقرشهر در دوره شهرداری او تصویر شاخص و روشنی نیست و مردم باقرشهر در سال ۱۴۰۰ همچنان درگیر آب های سطحی، فاضلاب و کانال های لث آب هستند. انتقادات اخیر خبرنگار ضد فساد به نحوه مدیریت شهرداری باقرشهر و بایکوت رسانه ای او از سوی نهادها به ویژه فرمانداری ری نشان از اهمیت و محبوبیت سعید استاد فرج در میان مدیران و مسئولان عالی شهرستان دارد. پوشش رسانه ای در کانال خبری واتس آپی خبرنگار ضد فساد در شهرستان ری موجب شد تا شهروندان باقرشهر بی پرده انتقادات و سوالات و مطالبات خود را از شهردار با سابقه خود مطالبه کنند. مطالبه ای که در دو دهه اخیر در هیچ رسانه ای بازگو نشده بود. مردم یک به یک در فضای مجازی سوالات خود را به شرح ذیل از شهرداری که پاسخ خبرنگاران حرفه ای را نمی دهد اظهار کردند: (۱) اگر استخدام در شهرداری باقرشهر ممنوع است، من بعنوان ایناثرگر سالها در نوبت هستم چرا اقوام و آشنایان مدیران و اعضای شورای شهر به راحتی وارد شدند؟ (۲) شهردار سابق باقرشهر (ناصری پور) به دلیل عدم سکوت در شهر چندین بار مورد حمله منتقدان قرار گرفت و بالاخره توانستند او

معجزه هایی که در انتخابات شهرهای شهرستان ری رخ می دهد

سردار ضد فساد رد صلاحیت شد!



در می آید. این فرد فعال رسانه ای برای شوراها ثبت نام می کند و در همان مرحله اول تأیید صلاحیت می شود. پس از کلی استوری تبلیغاتی و شعارهای شورای شهری قبل از شروع تبلیغات که همگی تخلفات انتخاباتی بود هوادانش او را سردار سلیمانی شهر لقب می دهند و او در فضای مجازی اعلام می کند که من خبرنگار ضد فساد هستم! خلاصه داستان به جایی می رسد که شاید بعدا کلیات آن را تعریف کنم اما به طور معجزه آسایی فردی که تأیید صلاحیت شده و کلی هم هزینه کرده یک مرتبه رد صلاحیت می شود. این از همان معجزه های انتخاباتی در شهرستان ری است. اما معجزه دیگر آنکه کاندیدایی که به رهبری در فضای مجازی و صفحه خبری خود توهین می کند با اقتدار و افتخار تأیید صلاحیت می شود. بله معجزه کم ندارد. مثلاً طرف یک سال است غیرقانونی رئیس اتحادیه و معاون اتاق اصناف است اما هست و باید باشد و کسی هم کاری ندارد. اما یک بار زس ضد فساد را از اتاق اصناف اخراج می کنند چون کشفیات زیادی داشته است!

بعد از کلی خندیدن تاسف می خورم که سطح سواد رسانه ای شهرستان ری و جایی که متولد شدم آنقدر پایین است که برای شفافیت و مبارزه با فساد اینطور مقاومت وجود دارد. یک مورد دیگر هم آنکه برخی از خبرنگارها که البته بیشتر فعال رسانه ای هستند پس از مدتی جذب روابط عمومی ها و شهرداری ها شدند و جالب تر آنکه مدعی رسانه ای بودن هم هستند و اگر فضا ایجاب کند برای رسانه مفتوا هم می دهند! یکی از همین فعالان رسانه ای پس از مدتی کار مجازی تصمیم می گیرد که هفته نامه داشته باشد برای همین سرپرستی یک روزنامه را در شهرستان ری اخذ می کند. وقتی می بیند که اوضاع بازار خوب است مجوز هفته نامه کشوری می گیرد تا خود را از طریق رسانه و ممبرهای فضای مجازی برنده انتخابات شوراها ای اسلامی شهر خود کند. خلاصه کلام مردم که از این موضوع بی اطلاع بودند باور کردند او خبرنگار است و اخبارش را پیگیری کردند. پس از مدتی او از طریق همین فضا و رابطه ها وارد شهرداری یکی از شهرها می شود و به استخدام آنجا

مهر تابان / سعید هادی کسایی زاده خبرنگار ضد فساد نوشت: به نوعی در شهرستان ری حساسی خوش می گذرد. اول اینکه تنهایی و رقیبی نداری و همه خبرها برای تو خواهد بود. کسی خبرهای تو را صید نمی کند و رقابتی در خبرنگاری حرفه ای نیست که البته برای خودش مضراتی هم دارد. مثلاً برخی خبرنگارها و کانال های خبری وقتی به فرماندار انتقاد می کنی به تو حمله می کنند که گاهی آنقدر از این اقدام می خندم که موجب شادی من می شود. تصور نمی کردم که رسانه ها و فعالان رسانه ای اینقدر با سرعت ماهیت و سیاست خود را نشان دهند و با علنی بگویند طرف که هستند و از چه افرادی مخارج می گیرند! از همه جالب تر آنکه چون برخی از مسئولان و مدیران شهرستان بر خوردی با خبرنگاران حرفه ای نداشتند نمی دانند چطور در مقابل انتقادات از خود دفاع کنند برای همین یا از گروه خبری او خارج شده و یا ورود خبرنگار را به فرمانداری یا بخشداری ممنوع می کنند که این هم برای من روزنامه نگار آنقدر جالب و طنز است که هر وقت یادش می افتم

حقوق بشر فدای وزارت خارجه

یک شهروند ایرانی که رزمنده دوران دفاع مقدس بود ۱۱ سال در زندانهای ژاپن شکنجه شد اما وزارت امور خارجه به دلیل دوستی با دولت ژاپن اقدامی نکرده است.

بهرروز لطفی نسب

قربانی یاکوزاها در ژاپن



www.mehrotaban.com

حال باید منتظر ماند تا رای نهایی دادگاه ایران در مورد این نقض حقوق بشر را شاهد باشیم. می گوید: متأسفانه در هر دو مرحله بدوی و تجدیدنظر، وزارت امور خارجه که در حمایت از حقوق بنده در کشور ژاپن در طول یازده سال حبس غیرقانونی و شکنجه، اهمال و مسامحه روا داشته بود با ارسال نامه های مختلف به شعب ۵۵ بدوی و ۱۳ تجدیدنظر آنها را از پذیرش دعوی و صدور حکم به نفع حقیر بر حذر داشته بود. این امر در حالی است که به دلالت اسناد و مدارک موجود در پرونده، بنده صرفاً قربانی پرونده سازی و فساد قضایی دادگستری کشور ژاپن شده و هیچ ملجأ و پناهگاهی جز مراجع قضایی ذیصلاح کشورم نداشته و ندارم. عجیب آنکه طبق قانون و وظایف وزارت امور خارجه مصوب ۲۸ فروردین ۱۳۳۴، انجام اقدامات لازم در زمینه امور کنسولی اعم از حفظ حقوق و منافع اتباع ایرانی خارج از کشور در زمره وظایف و مسؤولیتهای آن وزارتخانه است، اما در مورد حقیر این مهم فراموش شد. مانده ام که جهت احقاق حق و جبران خسارات هنگفت مادی و معنوی خودم بعنوان شهروند جمهوری اسلامی ایران که بخش قابل توجهی از سالهای جوانی ام را در جبهه های حق علیه باطل به کشور خدمت نموده و یازده سال از دوران زندگی خود را به ناحق در زندانهای مخوف کشور ژاپن حبس و تحت شکنجه های جسمی و روانی مختلف بودم دیگر چه باید کرد و به کجا باید پناه برد؟ بیعد می دانم نهادهای بین المللی مثل شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد مرجع مناسب و کارآمدی برای برای نقض حقوق بشر در کشور ژاپن و در کشور خودم باشند.

زندگی روزهای تلخ قهرمان کشتی در کتاب رد پای یاکوزا

لطفی نسب بعد از آزادی از زندان خاطرات خود را تبدیل به کتاب کرد که این کتاب در ۷ بخش تدوین شده است. حالا حدود ۸ سال از این مصاحبه و گزارش و شکایت ها می گذرد. با او دوباره تماس گرفتم و گفتیم دیگر خبرگزاری مهر نیستیم و خبرنگار آزاد هستیم. نتیجه اقدامات به کجا رسید؟ گفت: نامه ای از سوی ژاپنی ها به درخواست رئیس شعبه ۱۳ دادگاه تجدید نظر استان تهران ارسال شد و قاضی رای عدم استماع رانقض کرد. دستور رسیدگی ماهوی داد. سفارت ژاپن نامه محرمانه ای ارسال کرد که نمی دانم چیست؟ اما انگار دوستی ایران و ژاپن من را با ۱۱ سال زندان و هدر رفتن عمرم معامله شده است. مگر من انسان نیستیم؟ مگر حقوق بشر اسلامی نداریم؟ مگر من مسلمان نیستیم؟ امیدوارم مسئولان کشور این گزارش را بار دیگر بخوانند.

مهرتابان/سید هادی کسایی زاده/ ۲۱ خردادماه ۱۳۹۲ بود که بهروز لطفی نسب را به خبرگزاری مهردعوت کردم تا از ناگفته های خود سخن بگوید. می گفت: آن زمان قهرمانی کشتی ایران بودم و پس از دورانی که در جبهه ها یثارگری کردم برای کار و تجارت فرش به ژاپن رفتم اما در جریان دستگیری یاکوزاها به جرم نگهداری مواد مخدر دستگیر شدم در حالی که آن خانه ای که پلیس جستجو کرده بود اصلاً خانه من نبود و آدرس را اشتباه رفته بودند. بهروز لطفی نسب از روزهایی که به او ۴ بار سوء قصد کردند تا داروهای عجیب و غریبی که در غذای زندانیان می ریختند سخن گفت و اینکه چگونه در ۱۱ سال حبس در زندانهای ژاپن دستش را شکستند و حق استفاده از وکیل یا حتی نوشتن نامه به خانواده را به او ندادند. لطفی نسب بعد از آزادی از زندانهای ژاپن در سال ۱۳۸۵ از طریق یک وکیل دادگستری از دولت ژاپن و حتی مجامع بین المللی به دلیل نقض حقوق بشر شکایت کرد اما نتیجه ای نداد تا اینکه با قانون جدید این شکایت از طریق دادگاه ایران پیگیری شد.

پرونده پس از ۲ سال روی میز رئیس دادگستری تهران رفت

دکتر مرتضی نجفی اسفاد وکیل مدافع لطفی نسب گفت: در تاریخ ۲۸ آبان ماه ۱۳۹۲ از طریق شعبه ۵۵ بین الملل دادگستری تهران بر علیه دولت ژاپن شکایت کردیم که در این شکوائیه تمامی موارد نقض حقوق بشر و ضربه های اقتصادی و روحی و روانی موکلم در زندانهای ژاپن و دلایل بی گناهی او عنوان شده است. این دعوا در دادگاه بدوی بسیار خوب پیگیری شد و دولت ژاپن به دادگاه احضار شد اما حضور پیدا نکرد. روی افزود: مجبور شدیم از طریق وزارت امور خارجه هم وارد شویم که بالاخره توانستیم احضار قضایی را به سفارت ژاپن تسلیم کنیم اما در دادگاه بعدی باز نماینده ای از این دولت حاضر نشد و تنها لایحه ای ارسال کردند که دادگاه ایران صلاحیت رسیدگی به اینگونه دعاوی را ندارد. وکیل لطفی نسب گفت: قاضی دادگاه بدوی پس از مدتی رای عدم استماع صادر کرد و ما به تجدید نظر اعتراض کردیم و حالا به جهت حساس بودن این پرونده و غرامت ۱ میلیارد دلاری که درخواست شده پرونده برای تعیین تکلیف روی میز رئیس دادگستری استان تهران قرار گرفت تا اظهار نظر کنند. بر اساس این گزارش هر چند دولت ژاپن گفته دادگاه های ایران صلاحیت رسیدگی ندارند اما بر اساس قانون جدید مجلس اتباع ایرانی می توانند علیه دولت ها اقامه دعوا کنند. با این



متأسفانه در هر دو مرحله بدوی و تجدیدنظر، وزارت امور خارجه که در حمایت از حقوق بنده در کشور ژاپن در طول یازده سال حبس غیرقانونی و شکنجه، اهمال و مسامحه روا داشته با ارسال نامه های مختلف به شعب ۵۵ بدوی و ۱۳ تجدیدنظر آنها را از پذیرش دعوی و صدور حکم به نفع حقیر بر حذر داشته بود و من هیچ ملجأ و پناهگاهی جز مراجع قضایی ذیصلاح کشورم نداشته و ندارم.

دادگاه علنی بررسی پرونده کشف ۶۸ هزار کیلو گوشت فاسد بر گزار شد

پرونده برادر شهید و گوشت های فاسد!



اعلام کردند که بر اساس مقررات گوشت های وارداتی فقط ۹ ماه تاریخ اعتبار دارند و به هیچ عنوان تاریخ تمدید نمی شود در حالیکه گوشت های کشف شده چندین ماه از تاریخ اعتبار آن ها گذشته بود. پس از قرائت کیفرخواست و اظهارات شاکیان، وکیل متهم ردیف اول گفت: موکل من فقط ۲۸ سال دارد و فاقد سابقه کیفری بوده و برادر شهید هم می باشد. در پرونده اعلام شده است که گوشت ها «ری پک» شده و با آرم زر گوشت در سردخانه نگهداری شده در حالی که موکل من هیچ اطلاعی از ری پک شدن نداشته و مدیر زر گوشت هم به دادگاه احضار شود. قاضی ساری گفت: تاریخ انقضای گوشت های کشف شده تا مهرماه سال ۱۳۹۹ بوده و ما آنها را آبان ماه کشف کردیم خود کرده را تدبیر نیست. در ضمن هر دوی این محسنات هم حرف دارد. چرا که اگر این جوان از الان تخلف کند و جلوی آن را نگیریم معلوم نیست که چند آینده چه تخلفاتی را انجام می دهد؟! دوم آنکه فردی که برادر شهید است از او توقع بیشتری برای رعایت قوانین کشور داریم. پس از چند روز حکم یک سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق برای متهمان از سوی قاضی ساری صادر شد.

مقدار گوشت کشف شده در این سردخانه ۶۸ هزار و ۷۷۰ کیلوگرم بوده که هم اکنون به سردخانه شباهنگ منتقل شده است. خبرنگار ضدفساد در ادامه گزارش خود از این دادگاه نوشت: بر اساس گزارش کارشناسان اداره دامپزشکی شهرستان ری و استان تهران این گوشت های وارداتی همگی از کشور مغولستان بوده و بخشی از آن هم از شرکت زر گوشت ایرانی بوده است. آزمایش ها نشان می دهد که باید بخش زیادی از این گوشت ها به پودر تبدیل شود و بخش کمی هم قابلیت استفاده صنعتی دارد. مورد دیگری که در این پرونده حائز اهمیت است آن که گوشت هایی که با آرم شرکت زر گوشت در این انبار نگهداری شده پس از بررسی ها نشان داد که این کالا، گوشت های وارداتی مغولستانی است که برچسب تقلبی زر گوشت داشته است. اداره دامپزشکی اعلام کرد: در این پرونده غیرقانونی بودن فعالیت سردخانه حائز اهمیت است که هیچ مجوزی برای فعالیت نداشته و نکته دیگر آنکه حمل گوشت هم نیاز به گواهی دارد که برای حمل و نقل آن هم هیچ گواهی ارائه نشده است. کارشناسان اداره دامپزشکی در این دادگاه

مهرتابان/نخستین جلسه رسیدگی به پرونده کشف ۶۸ تن گوشت تاریخ مصرف گذشته در یکی از سردخانه های غیرقانونی بخش کهریزک در دادگستری این بخش به ریاست قاضی محمد ساری برگزار شد. در ابتدای این جلسه که نمایندگان از بخشدار کهریزک، فرمانداری ری، دامپزشکی ری و وکلای متهمان حضور داشتند محمد ساری گفت: در تاریخ سوم آبان ماه ۱۳۹۹ آقای علیرضا افشار (بازرس) به همراه بازرسان فرمانداری و بخشدار کهریزک سردخانه غیر مجاز را در منطقه مهدی آباد کهریزک کشف کردند که شرایط بهداشتی مناسبی نداشت و مقدار زیادی گوشت منجمد وارداتی برزیلی تاریخ مصرف گذشته انبار کرده بود. که متصدی این سردخانه فردی به نام رحی است. این فرد در حین بازرسی ادعا کرد که گوشت ها را از فردی به نام ح-س در اواخر سال ۱۳۹۸ خریداری کرده و به دلیل شیوع ویروس کرونا گوشت ها در سردخانه انبار کرده بود. قاضی ساری با بیان اینکه آقای ح-سین بازداشت است گفت: این متهم در اعترافات خود عنوان کرده که رحی کارگری بوده است. همچنین بر اساس آخرین آمارها

جدایی

زوج‌های معلم از یکدیگر!

بیانیه جمعی از معلمان متاهل که از زوج خود جدا مانده‌اند!

مهتابیان/ گروهی از معلمان و دبیران و مدیران مدارس در پوششی مردمی خواستار لغو یک اقدام ضدتتشکیل خانواده در وزارت آموزش و پرورش شدند! در این نامه و بیانیه آمده است: در دین مبین اسلام بر ازدواج جوانان و تشکیل خانواده تأکیدات فراوانی شده است. در سالهای اخیر مشکلاتی فراوانی بر سر راه ازدواج جوانان و فرزندآوری خانواده‌ها به وجود آمده است و در این بین، بانوان جوان فرهنگی جز معدود جوانانی هستند که کم و بیش شرایط ازدواج را دارند. معلمان در ابتدای استخدام، تعهد خدمت محضری چندین ساله می‌دهند و همین موضوع سبب شده تا اگر خانم جوان فرهنگی، با شخصی از شهر دیگر ازدواج نماید برای منتقل شدن به شهر همسرش دچار دردسرهای فراوانی شود. این اقدام در وزارت آموزش و پرورش که خود به عنوان نهاد پرورش دهنده فرزندان این کشور اسلامی است، خلاف قوانین و آموزه‌های اسلام و بر خلاف اصل چهارم و دهم قانون اساسی و آسان کردن تشکیل خانواده و بند نهم سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب مبنی بر توجه به استحکام خانواده و ایجاد تعادل بین کار و زندگی افراد در نظام اداری است. هنگام مراجعه این بانوان به ادارات یا وزارت برای انتقالی، برخورد بسیار ناشایستی با آن‌ها صورت می‌گیرد و به آن‌ها گفته می‌شود مگر نمی‌دانستی که در فلان شهر تعهد خدمت داری؟ چرا با شخصی در شهر دیگر ازدواج کرده‌ای؟ بهتر است که زودتر طلاق بگیری و حال سوال این است که آیا این چنین رفتارها با بانوان فرهنگی که با الگو قرار دادن حضرت رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (ع)، مشغول تعلیم و تربیت فرزندان این سرزمین اند و صرفاً به دنبال تشکیل خانواده و عمل کردن به سنت دین خدا هستند، صحیح و شایسته است؟ این بانوان از کجا باید می‌دانستند که قرار است بختشان در شهر و دیاری دیگر باز شود؟ مشکل این بانوان با تعهد خدمت نیست بلکه آن‌ها درخواست دارند که به شهر همسرشان منتقل شده و از آن‌ها در شهر همسرشان مجدداً تعهد خدمت گرفته شود.

وزارت آموزش و پرورش هر سال بخشنامه نقل و انتقالات فرهنگی را ابلاغ می‌کند و برای انتقال موقت یک ساله، به دو سال سابقه تجربی و برای انتقال دائم، داشتن پنج سال سابقه تجربی و نداشتن تعهد لازم است. این شرایط در نقل و انتقالات اضطراری نیز وجود دارند. حال سوال این است که آیا شایسته است دانشجو معلم خانمی یا که در سن هجده سالگی وارد دانشگاه فرهنگی شده و تعهد خدمت داده و با فردی در شهری غیر از محل خدمتش ازدواج کرده، سال‌ها انتقال او به تأخیر بیفتد و او دور از شوهرش زندگی کند و عملاً نتواند بچه دار شود؟ یا خانم‌های فرهنگی که همسر آن‌ها نظامی است و بدون درخواست خود به شهر دیگری منتقل شده است دور از هم زندگی نمایند؟ یا خانم‌های فرهنگی که با افراد دارای مشاغل آزاد در سایر شهرها ازدواج کرده‌اند سال‌ها منتظر انتقالی بمانند؟ چرا در قانون برای این مورد تبصره‌ای قائل نشده تا فقط برای یک بار در طول خدمت سی ساله، اگر خانمی فرهنگی که با شخصی از شهر دیگر ازدواج کرده راحت و بی‌دردسر بتواند انتقالی بگیرد؟ این مشکلات برای خانم‌هایی که از طریق ماده بیست و هشت وارد دانشگاه‌های فرهنگی می‌شوند نیز وجود دارد. این در حالی است که سالانه تعدادی از افراد مجرد با وجود داشتن تعهد و سابقه کم، صرفاً با پارتی و داشتن سفارش و... منتقل می‌شوند. در ذیل به صورتی دقیق تر به مشکلات پیش آمده بر اثر عدم اجرای قانون انتقالی به تبعیت از همسر برای زنان فرهنگی، اشاره گردیده است:

اول) پذیرش دانشجو در پردیس‌های دانشگاه‌های فرهنگی به صورت منطقه‌ای است و در هر پردیس، دانشجویانی از شهرها و استان‌های مختلف مشغول به تحصیل هستند. بعضی از دانشجو معلمان در زمان تحصیل اقدام به ازدواج دانشجویی می‌کنند و محل خدمت اکثر آن‌ها با همسرشان یکی نیست و نهاد رهبری دانشگاه نیز از ازدواج دانشجویی حمایت می‌کند و حتی طرح جامع همسرگزینی ویژه دانشجو معلمان تصویب شده است و این در حالی است که این دانشجویان بعد از اتمام تحصیل متوجه می‌شوند که نمی‌توانند زندگی مشترک خود را آغاز کنند زیرا به خانم انتقالی نمی‌دهند و آن‌ها باید چندین سال در آرزوی شروع زندگی مشترک خود بمانند. دوم) طبق اعلام نهاد رهبری دانشگاه‌های فرهنگی، تنها در سال نود و چهار حدود هزار و هشتصد زوج فرهنگی داشته‌ایم و در سال‌های اخیر با افزایش ظرفیت دانشگاه‌های فرهنگی، قطعاً تعداد زوج‌های فرهنگی چندین برابر شده است. قطعاً زوج‌های فرهنگی که دور از هم هستند، انگیزه و توانی برای حضور در کلاس‌های درس ندارند. جالب این است که در دوران تحصیل و در بخشنامه مربوط به انتقال دانشجو معلمان به پردیسی دیگر و دانشجو معلم مهمان، بندی تحت عنوان زوج فرهنگی وجود دارد اما بعد از فارغ التحصیلی آن‌ها را منتقل نمی‌کنند. در بخشنامه نقل و انتقال بعضی از سال‌ها، بند انتقال استثنای زوج فرهنگی وجود دارد که آن هم سابقه سه ساله می‌خواهد و مشخص نیست که آیا در سال‌های بعد نیز همین بند وجود دارد یا خیر. سوم) نیروهای نظامی که حافظ امنیت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی هستند بنا به مسئولیت خود و به اجبار ناچار به انتقال به شهرهای مختلف هستند و در این میان کم نیستند نظامی‌هایی که همسر فرهنگی دارند. عدم موافقت با انتقالی این فرهنگیان به تبعیت از همسر منجر به از هم پاشیدگی کانون خانواده آنها گردیده و مانع فرزندآوری شده و باعث شده تا بانوان فرهنگی در شهری به جز محل سکونت همسر زندگی کنند که این امر برخلاف موازین اسلامی است و همین‌طور مشکلات فراوانی را برای بانوان فرهنگی ایجاد نموده است و همین امر موجب می‌گردد نه بانوی فرهنگی و نه همسر نظامی وی توان تمرکز بر شغل خود را نداشته باشند و به لحاظ کیفی کار آنها دچار مشکل گردد و با توجه به حساس بودن شغل هر دو، مشکلاتی را برای امنیت و فرهنگ مملکت اسلامی ایجاد نماید. از سویی دیگر این حافظان امنیت و اقتدار کشور، ممکن است در طول زمان خدمت خود به دلیل نیاز نقاط مختلف مملکت به تخصصشان، چندین بار منتقل شوند که توجه ویژه به مشکل این قشر خاص ضروری می‌باشد.

چهارم) بانوان فرهنگی که همسر آن‌ها کارمند دیگر دستگاه‌هاست نیز برای انتقالی به شهر همسرشان دچار دردسر هستند. بانوان فرهنگی که همسر آن‌ها در ادارات دولتی و غیردولتی مشغول به کار هستند و از همسران فرهنگی خود دور هستند.



پرونده ویژه
گزارشگری ضدفساد

دعوا بر سر زمین ۱۰۰ میلیاردی!

مهتابیان/ زمین کنار جاده ورامین در روستای فیروزآباد امروز ارزش زیادی پیدا کرده برای همین هر سه مدعی با سند و مدرک به دنبال حفظ آن به نفع خود هستند. داستان این زمین از این قرار است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی قطعه زمینی از پلاک ثبتی ۱۵۶ اصلی بخش ۱۲ تهران به نفع بیت المال توقیف و برای اهداف عام المنفعه به بانک مسکن (صنایع آجر ماشینی فیروزآباد) که در آن زمان به عنوان بانک رهنی در منطقه شناخته می‌شد واگذار می‌شود. در این واگذاری عنوان می‌شود که بخشی از آن برای احداث بهادری فیروزآباد (مرکز بهداشت فعلی) و مابقی آن را هم بنا به مستندات به دست آمده بانک مسکن به بسیج فیروزآباد واگذار و بسیج هم اقدام به استقرار یک کانکس نظامی در دوران هشت سال دفاع مقدس می‌کند که هنوز هم این کانکس باقی است. در سال ۱۳۹۲ (چند سال پس از ابلاغ طرح هادی روستای فیروزآباد) و مشخص شدن کاربری‌های زمین مورد اشاره در تاریخ ۱۱ مردادماه ۱۳۹۲ این زمین از سوی ۵ نفر مصادره می‌شود و آنها ادعا می‌کنند که زمین را به مترمربع ۴۰۰۰ مترمربع از ورثه اصلی (مرحوم فیروزآبادی) خریداری کردند. در بین اسنادی که به دست خبرنگار ضدفساد رسیده نامه‌ای با سربرگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (حضرت سیدالشهدا (ع) استان تهران) به شماره ۵۳۳۷۰/۶۵۹۳/زم به تاریخ ۵ شهریورماه ۱۳۹۹ است که در آن مشاهده می‌شود که خطاب به رئیس وقت شورای روستای فیروزآباد نوشته شده: این زمین در سال ۱۳۳۷ از طرف شرکت صنایع آجر ماشینی به بسیج واگذار شده لذا درخواست صدور مجوز ساخت زمین را داریم! نکته قابل تأمل در این پرونده آن است که در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸ فردی به نام حسین جعفری فیروزآبادی خود را مالک زمین معرفی کرده و طی تفاهم نامه ای به شماره ۱۸۴۹۷ با سربرگ دهیاری فیروزآباد ۲۱۶ متر از زمین را به دهیاری واگذار کرده به شرط آنکه دور زمین دیوار کشی کند! حسین جعفری ابتدا مباحعه نامه خرید زمین را از ورثه مرحوم سید محمدتقی فیروزآبادی را به مساحت ۴۰۰۰ مترمربع به مبلغ ۶۹۹ میلیون تومان به صورت دست نویس بعنوان مدرک و سند معتبر ارائه کرده که البته در این سند بخشی از قرارداد واگذاری با دو خط متفاوت نگارش شده است! و پس از مدتی قولنامه ای از سوی بنگاه املاک ارائه می‌کند که در آن نوشته مترمربع زمین ۴۸۰۰ متر مربع و مبلغ خرید هم ۷۰۰ میلیون تومان است! که این دو عدد در دو سند با هم تفاوت دارند! (کدرهگیری اطلاعات مدیریت املاک و مستغلات کشور به شماره ۱۰۷۱۰۰۶۵۰۳۹۷۱)

جالب آنکه این زمین که سالها کسی سراغش را نمی‌گرفت؛ پس از تبدیل بخش و ایجاد شهر قلعه نو و احتمال تبدیل روستای فیروزآباد به شهر ارزش آن روز به روز افزایش می‌یابد و امروز برآورد ارزش ریالی آن بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان است. در این میان چند سوال مطرح می‌شود که باید بخشدار قلعه نو بعنوان نماینده ناظر دولت در بخش که به تمامی اطلاعات مهم و معاملات دهیاری‌ها تسلط دارد پاسخ دهد: چرا با وجود چالش بر سر این زمین فقط یک گروه از مدعیان رسمیت داشتند و با دهیار قرارداد نوشته و بخشی از زمین را واگذار کردند؟ دوم) آیا درست است که برخی از مدعیان این زمین از دوستان و آشنایان شما هستند؟ سوم) اگر این ملک با کاربری فضای سبز، حسینیه، آموزشی و نظامی بوده پس چگونه سه هزار متر آن با حضور دستگاه‌های نظارتی و بخشداری چهاردیواری شده است؟ چهارم) آیا ملک فوق مراحل تغییر کاربری و کمیسیون مغایرت‌ها را در بنیاد مسکن طی کرده است؟ پنجم) اگر دهیاری کوتاهی کرده و آگاهی نداشته آیا مورد بازخواست قرار گرفته است؟



گزارشگر
گزارش سوئد مریوت

انتقادیک کارآفرین به شهرداری باقرشهر

مهتابیان/ یکی از مالکان مجتمع صنعتی فرخی واقع در باقرشهر اعلام کرده است که مبالغ زیادی را بابت عوارض به شهرداری باقرشهر پرداخت کرده اما هیچ هزینه و خدمات شهری در این مجتمع ارائه نشده است. علی فرخی بعنوان یکی از مالکان این مجتمع می‌گوید: از همان روزهای نخست سنگ اندازی و اذیت و کاغذبازی‌ها در ادارات شروع شد. به نوعی نمی‌خواستند این مجتمع پا بگیرد. بنده با سماجت و پشتکار تمام استعمال‌های درخواستی را گرفته و تحویل شهرداری باقرشهر دادم. پس از طی مراحل و مصوبه دوکارگروه و ابلاغ از سوی شورای برنامه ریزی استان تهران به جای کمک و همکاری گفتند توافقات انجام شده را قبول ندارند و چندین برابر پول برای عوارض و جواز ساخت پرداخت کردم. متأسفانه هر کدام از اعضای شورای شهر باقرشهر اندازه خودش به ما لطف زیاد داشته (طعنه در لافاه) که همه کارگران و کارفرمایان مجتمع فرخی می‌دانند.

علی فرخی می‌گوید: حالا میلیاردها تومان پولی که من به شهرداری باقرشهر دادم کجاست؟ چرا هیچ خدماتی به این مجتمع ارائه نشده است؟ دعا می‌کنم روزی شورای شهر منحل شود تا شهرداری بتواند آزادانه تصمیم بگیرد و ما هیچ دلخوشی نداریم و فقط شعار سال را بنر می‌کنند. اظهارات و انتقاد علی فرخی به چالش‌های مدیریت شهری در مجتمع صنعتی فرخی در حالی است که سایر صاحبان سوله‌ها در این مجتمع هم طی تماس‌هایی با مهتابیان اعلام کردند شرایط خوبی ندارند. توقع ما این است که حداقل خدمات شهری را در این مجتمع شاهد باشیم. سزاوار نیست که دوباره خودمان هزینه کنیم و خیابان‌ها و جدول‌ها را بهسازی کنیم وقتی که این مهم برعهده شهرداری باقرشهر است. البته هنوز سعید استاد فرج هیچ پاسخی به این انتقادات نداشته است.

گزارش ویژه از دو مرگ مشکوک در شهرستان ری

مرگ های مشکوک

آیا واکسن چینی جان می گیرد؟

مهرتابان / واکسن «سینوفارم» توسط کشور چین ساخته شده و به بازار عرضه شده است. در اوایل سال ۲۰۲۰ موسسه زیستی بیجینگ و شرکت دولتی سینوفارم چین اقدام به تولید واکسن کووید-۱۹ به نام BBIBP-CorV کردند. در ماه ژوئن همین سال محققان گزارش کردند که این واکسن نتایج امیدوارکننده‌ای در میمون‌های ایجاد می‌کند. بعد از آن نتایج کارآزمایی‌های بالینی فاز یک و دو نیز نشان داد که واکسن هیچ عارضه جانبی جدی ایجاد نمی‌کند و این در حالی است که در افراد دریافت‌کننده واکسن آنتی‌بادی علیه کووید-۱۹ ایجاد می‌شود. در ماه جولای نیز کارآزمایی بالینی فاز سه در امارات متحده عربی، مراکش و پرو آغاز شد و در نهایت در ماه می ۲۰۲۱ توسط سازمان جهانی بهداشت تاییدیه دریافت کرد. در تاریخ ۲۹ ژانویه مجارستان به عنوان اولین کشور اروپایی استفاده از این واکسن را مجاز دانست و اعلام کرد که از واکسن چینی استفاده می‌کند و در حال حاضر بیش از ۴۰ کشور مجوز استفاده اضطراری از واکسن سینوفارم را صادر کرده‌اند. واکسن سینوفارم از نوع واکسن غیرفعال‌شده ویروس کووید-۱۹ است. برای ساخت آن ابتدا ویروس بر روی کشت سلولی (Vero Cell) تکثیر شده و پس از غیرفعال‌سازی ویروس و عملیات تغلیظ و خلص‌سازی، با استفاده از ادجوانت آلومینوم به شکل مایع واکسن تبدیل شده است. در مطالعات بالینی، عوارض شدید با این واکسن گزارش نشده اما شایع‌ترین عارضه، درد در محل تزریق بوده است که بالاتر از ۱۰ درصد گیرندگان واکسن این علائم را نشان داده‌اند و در کل بین یک تا ۱۰ درصد از گیرندگان واکسن نیز سایر علائم مانند تب موقت، احساس ضعف، سردرد، اسهال، قرمزی، سفتی، تورم و خارش محل تزریق داشتند. راش جلدی در محل تزریق، تهوع و استفراغ، خارش در محل‌های غیر از تزریق، درد عضلانی، درد مفاصل، خواب‌آلودگی و گیجی از عوارض ناشایع بعد از تزریق واکسن بوده است. موارد منع دریافت واکسن سینوفارم عبارتند از: اشخاصی که سابقه آلرژی به این واکسن و یا هر یک از اجزای تشکیل‌دهنده آن را دارند؛ اشخاصی که سابقه واکنش‌های افزایش حساسیتی (Hypersensitivity) و یا بیماری‌های مزمن شدید دارند؛ اشخاصی که دچار بیماری حاد متوسط تا شدید با یا بدون تب هستند تا زمان بهبودی ممنوعیت مصرف دارند و دوران بارداری و شیردهی؛ همچنین در هشدارهای اختصاصی در مورد این واکسن تاکید شده است: تزریق داخل عروقی واکسن اکیدا ممنوع است؛ هنگام تزریق واکسن باید داروهای درمان آنافیلاکسی مانند اپی‌نفرین برای درمان واقعه احتمالی در دسترس باشند؛ افراد دریافت‌کننده واکسن باید تا ۳۰ دقیقه بعد از تزریق در دسترس بوده و در مرکز تزریق‌کننده بمانند.

موارد احتیاط در مصرف واکسن چینی آن است که در صورت وجود اختلالات انعقادی و یا کاهش پلاکت‌های خون به دلیل خطر خون‌ریزی محل تزریق، باید احتیاط شود. همچنین در افراد با ضعف سیستم ایمنی و یا افراد دریافت‌کننده داروهای تضعیف سیستم ایمنی (مانند بیماران مبتلا به سرطانی که در حال دریافت شیمی‌درمانی هستند) ممکن است پاسخ سیستم ایمنی به واکسن کاهش یابد. در این شرایط اگر امکان محافظت فرد با سایر روش‌های پیشگیری وجود دارد، می‌توان واکسیناسیون را تا پایان دوره مصرف داروها به تعویق انداخت. در افرادی با ضعف مزمن سیستم ایمنی، واکسیناسیون توصیه می‌شود، گرچه ممکن است پاسخ ایمنی کم‌تر باشد. مورد دیگر آنکه در موارد صرع کنترل‌نشده و یا بیماری‌های عصبی پیش‌رونده و افرادی که سابقه ابتلا به «گیلین باره» داشته‌اند، حتماً نظر پزشک معالج پیش از دریافت واکسن پرسش شود و در مورد تداخل دارویی با سایر داروها هنوز مطالعات معتبر انجام نشده است.

مرگ های مشکوک بر اثر تزریق واکسن کرونا به شهرستان ری هم رسیده و بر اساس بررسی‌های میدانی با دو خانواده داغدار گفتگو کردیم که می‌گویند پدرمان حال خوبی داشت اما پس از تزریق واکسن جان خودش را از دست داد که برای من جای تامل و تعجب دارد.

با تمامی این تعریف‌ها و باید و ها و نبایدها در مورد این واکسن چینی شاهد هستیم که در ماه‌های گذشته به گفته مسئولان شهرداری مشهد یک پاکبان به دلیل تزریق واکسن چینی سینوفارم جان خود را از دست داده است.

این مرگ های مشکوک به تهران هم رسیده و بر اساس گزارش و مصاحبه‌هایی که در شهرستان ری جنوب تهران داشتیم به برخی موارد برخوردیم. بعنوان مثال آقای علی آقامحمدی ۸۳ ساله ساکن شهرری ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ در حالی که خود به درمانگاه می‌رود واکسن به او تزریق می‌شود و ۵ روز بعد جان خود را از دست می‌دهد. به گفته فرزند او آنها حتی تست تزریق واکسن از او نگرفته و حال عمومی او را چک آپ کرده بودند. یا در مورد دیگری در روستای گلحصار رخ داده که آقای مهابادی در کمتر از ۲۴ ساعت پس از تزریق واکسن چینی کرونا جان خود را از دست می‌دهد. به گفته فرزندان او پزشک حتی تست واکسن نگرفته و او را چک آپ نکرده است.

لازم است کارشناسان بهداشت جهانی و ایران یک پالایش فوری در مورد واکسن‌ها و عوارض و نحوه تزریق آن داشته باشند. البته پزشکان و کارشناسان وزارت بهداشت همچنان مرگ بر اثر تزریق واکسن چینی را تکذیب می‌کنند و دلایل مرگ را برعهده سازمان پزشکی قانونی کشور گذاشتند. اما بر اثر تحقیقات میدانی که بعمل آمده چرا باید این افراد که سالم هم بودند و با پای خودشان به درمانگاه رفتند پس از تزریق واکسن چینی جان خود را از دست بدهند؟

آمار اختصاصی سازمان مدیریت تهران به مهرتابان

توزیع ۸/۵ هزار میلیارد تومان ارزش افزوده

مهرتابان / بر اساس آخرین آمارهایی که از سازمان مدیریت و برنام‌ریزی استان تهران اعلام شده است حدود ۸۵۴۷ میلیارد تومان مجموع ارزش افزوده توزیع شده در سال ۱۳۹۹ میان فرمانداری‌ها، شهرداری‌ها و دهیاری‌های استان تهران بوده است. مسعود شفیعی رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران گفت: این مبلغ تماماً وصول شده است. (دلیل کم‌یاب بودن عددنهایی گردکردن برخی اعداد اعشاری است)

اسلامشهر: ۳۱۰ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۴۹ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۲/۲ میلیارد تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۳۶۲ میلیارد تومان می‌شود. **بهارستان:** ۳۰۴ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۴۲ میلیارد تومان دهیاری‌ها که در مجموع حدود ۳۴۶ میلیارد تومان می‌شود. **پاکدشت:** ۱۷۴ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۶۳ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۲۶ میلیارد تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۲۷۴ میلیارد تومان می‌شود. **پردیس:** ۹۲ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۲۰/۶ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۱/۶ میلیارد تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۱۱۴ میلیارد تومان می‌شود. **پیشوا:** ۳۵/۷

بیلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۳۵/۷ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۵۸۰ میلیون تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۷۲ میلیارد تومان می‌شود. **تهران:** ۵۱۶۸ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۵۸ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۵/۸ میلیارد تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۵۲۳۲ میلیارد تومان می‌شود. **دماوند:** ۵۶۴ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۳۸۶ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۴/۵ میلیارد تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۹۹/۶ میلیارد تومان می‌شود. **رباط کریم:** ۱۳۹ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۲۴/۶ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۵۴ میلیارد تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۲۱۸ میلیارد تومان می‌شود. **ری:** ۱۲۹ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۱۶۸ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۷۷ میلیارد تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۳۷۵ میلیارد تومان می‌شود.

شمیرانات: ۱۷ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۲۳/۸ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۲ میلیارد تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۴۳ میلیارد تومان می‌شود. **شهریار:** ۴۰۰ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۷۳ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۱۷ میلیارد تومان فرمانداری دریافت کرده که در

مجموع حدود ۴۹۸ میلیارد تومان می‌شود. **فیروزکوه:** ۱۱ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۱۸ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۲/۵ میلیارد تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۳۱/۷ میلیارد تومان می‌شود. **قدس:** ۱۸۶ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۹/۲ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۹/۲ میلیون تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۱۹۵ میلیارد تومان می‌شود. **قزقک:** ۱۴۷ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۵۱/۳ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۱۶۰ میلیون تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۱۹۷/۵ میلیارد تومان می‌شود. **ملارد:** ۱۸۸ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۶۹ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۱۵/۴ میلیارد تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۲۷۳ میلیارد تومان می‌شود.

ورامین: ۱۳۸ میلیارد تومان شهرداری‌ها؛ ۶۸ میلیارد تومان دهیاری‌ها و ۳ میلیارد تومان فرمانداری دریافت کرده که در مجموع حدود ۲۱۰ میلیارد تومان می‌شود. نکته قابل تامل و قابل توجه آن است که باید طبق قانون فرمانداری‌ها، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها میزان درآمد از ارزش افزوده و هزینه کرد آن را طبق بیان‌کاری به شهروندان از طریق رسانه‌ها و سایت‌های خود منتشر کنند.



تعداد کاندیدای شورای شهر در شهرستان ری برای رسیدن به کرسی شوراها با هم رقابت کنند. رقابتی که شنیده شده بعضا سالم نیست و خرید و فروش رای و سفره های رنگین چاشنی برخی اقدامات متخلفانه و محرمانه کاندیدهاست. اما گروهی دیگر با سلامت اند.



اعلام اسامی کاندیداهای شورا

کهریزک، باقرشهر، فشافویه، قلعه نو و قیامدشت

مهرتابان/ بالاخره نتیجه اعتراضات رد صلاحیت شده های شهرستان ری هم ابلاغ شد و در نهایت ۲۰۶ نفر برای کرسی شورای شهر ۵ شهر در شهرستان ری رقابت خواهند کرد.

سال ۹۶ تعداد ۱۷۸ نفر از ۱۹۲ نفر تأیید صلاحیت شدند

بر اساس آمارهای رسمی در دوره قبل انتخابات شوراها (۱۳۹۶)، در مجموع سه شهر حسن آباد، کهریزک و باقرشهر ۱۹۲ نفر برای عضویت در شورای شهر ثبت نام کردند که از این تعداد ۱۷۸ نفر تأیید صلاحیت، پنج نفر رد صلاحیت و ۹ نفر انصراف دادند.

سال ۱۴۰۰ تعداد ۲۰۶ نفر از ۲۴۱ نفر تأیید صلاحیت شدند

این در حالی است که در انتخابات دور ششم شوراها بر اساس اعلام رسمی شورای نظارت بر انتخابات شهرستان ری، از ۲۴۱ کاندیدای ثبت نام شده فقط ۱۷۳ نفر تأیید صلاحیت شدند. البته دلیل افزایش آمار ثبت نام شده ها به دلیل افزایش ۲ شهر به شهرستان است اما آمار ۳۶ درصدی رد صلاحیت ها قابل تأمل بود. اما افزایش رد صلاحیت شده توانستند نظر استان و کشور را جلب کنند و این عدد به ۲۰۶ نفر رسید. یعنی ۳۲ درصد از داوطلبین رد صلاحیت شده انتخابات شوراها را اسامی شهرهای شهرستان ری که شکایت آنها در هیات مرکزی نظارت انتخابات کشور مورد بررسی قرار گرفت، صلاحیتشان احراز شد. که برای شهر حسن آباد ۳۶ نامزد، شهر باقرشهر ۷۱ نامزد، شهر کهریزک ۴۸ نامزد، شهر قیامدشت ۳۰ نامزد و شهر قلعه نو ۳۱ نامزد برای انتخابات ۲۸ خردادماه مشخص شده و اسامی آنها از طریق آگهی اطلاع رسانی شد.

اسامی نامزدهای انتخابات شوراها اسامی شهر کهریزک

رحمان آذر خرداد، مریم آذرمی، زینب اسدی برجلو، امیر آفراسفندارانی، مهرداد آقاخانی ارده حال، عباس بخشی، مجید بیگدلی بادی، محمدعلی پروند حسن پور محمدی، مصطفی پورنگ، موسی جعفری روح اله حریمی هادی حسن پور قهره تپه، سیدهادی حسینی، عباس حیدری، ناصر خداوردی زاده، امیر خلیلی، مهدی دژ هوست گنگ، زهرا دولو، هادی راهنمون، محمد زمانی، طیبه سرگز، ناصر سرگز، فاطمه شالخوا، مهسا صادق، پداله طاهری، رضا عباسیان، حسن عباسی پیکانی، اکبر فرزانی، سیدمجید قائم

دهقان نیری، جلیل راستگویان اصفهانی، وحید سوفی، عباسعلی صادقی علویجه، محمدصادق صلاتی، مهدی فاضلی، طیبه فاضلی وادقانی، محمد فاطمی نژاد، مهدی فرهادی قلعه نوئی، مهدی گنجورکنار سوری، مجتبی محمدی، عبدالحسین مشکانی، مهدی مهدوی، سیدناصر موسوی جنگلی، سیدمرتضی میرنژادری، روح الله نظری اسطخوئی، ابوالفضل نظری راویز؛

اسامی نامزدهای انتخابات شوراها اسامی شهر قیامدشت

ابراهیم احدی، هادی آذیراک، رضا اسداللهی علوی، لطف اله اسدی نعمتی، پیام اسماعیلیان، مرجان اورجی خورجستان، معصومه بهرامی فر، شادی بیات، محمد حقی، وحید خسروآبادی، ابوالفضل درخشانی شاد، مصطفی رجبی، جوادرحیمی گرکانی، عیسی رضائی فر، حسین سبحانی، بیت اله شیرازی، مرتضی عباسی، فیروز عبداللهی، یوسف عصمتی، مرتضی علوی، صابر علیاری، وحید غفاری، یوسف فتحی، مرضیه فرهادی، اصغر لطف پور، محمد منفرد، محمود منفرد، سیدطاها موسوی، سیده مهدی موسوی، الهه سادات هاشمی یکتا؛

اسامی نامزدهای انتخابات شوراها اسامی شهر فشافویه

از: معصومه اوریات، حسن ایلاتلو، مهدی ایلاتلو، رضاقلی اینانلو، مرضیه پاس لاری، مصطفی پرورش، جواد ترابی، ملیکا السادات حسینی، سیدحسن خونیساری، ثریا رضائی، امین زندی کریم خانی، علیرضا شایندوش، علی احمد صابری، حسن عرب باقری، علی رضا عرب باقری، مهدی عقیقی، امیر فاعله گری، جواد قاسمی سراجکلاویه، طیبه قره چلی؛

سید هادی کسبایی زاده خیرنگار ضدفساد مستقر در شهرستان ری نوشت: گروه زیادی از رد صلاحیت شده ها تماس گرفتند و گفتند: تا لحظه آخر آنچه به ما رسیده بود آن بود که از سوی کشور تأیید شدیم اما نمی دانیم چرا پس از تعطیلات ۱۵، ۱۶ و ۱۷ خرداد یک مرتبه ورق برگشت؟ برخی هم گفتند که چرا فلان افراد که همه می دانند متخلف یا سوء مدیریت دارند توانستند تأیید شوند اما ما احراز نشدیم. این سوالات از سوی بسیاری از شهروندان مطرح شده که نحوه تأیید صلاحیت ها بر چه مبنای اساسی بوده است؟ چرا باید گروهی با ۲ بار اعتراض بازگردند؟

مقامی، سیدمحمدقائم، رضاقتبر نژاد، علیرضا کریمی، رضا کاظمی، منصوره کیانیان مسعودی، منی حسن محمدی فرد، حسین محمودی، مرضیه منصف، سیده نرگس موسوی وادقانی، محسن میرخانی، مجتبی ناصری آرون، داود نعمتی شهرکی، روح اله نوروزی، منصور هاتمی مجومرد، امیر هادی نژاد، حسن هادی نژاد و علیرضا هادی نژاد فرزندان؛

اسامی نامزدهای انتخابات شوراها اسامی شهر باقرشهر

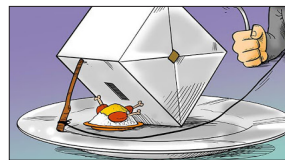
حسین ابراهیمی، میلاد آرمان کیا، عین اله آقاپور، امیر آقاسی، مجتبی الاشتی، محمدرضا الاشتی، سعیدباغی نیازان، ابوطالب قرائی، امیر بیابانی قره شیران، بهنام پناهنده افسوران، حمزه ترکا شون، منصور تیموری، محمدجان بزرگی، اکبر جبباری، محمدرضا جعفری آریا، معصومه جعفری نراقی، عباس جلالوند، مجتبی جلالی، اسلام جهاد آسما، حمیدرضا جودی، حسین حبیب زاده نصرآبادی، داود خوش منظر، محسن دهخدا، سعید دوستعلی پور، بهزاد دوستی سبزی، محمد دوستی سفری، شاهین رحیمی، رضاشیلانزاده، ابوالفضل رفیعی، سهراب زرین، حسین زهدی بابائی، ولی الله ستاک، مصطفی سرلک، آرزو سعیدی یاراحمد، هاشم سلطانی پور، سمیه سلگی، ناصر سیدال مختار شریفی، حمید شفیعی، ناصر شکری ملحم لو، میلاد شیرازی، رضا شیرازی، علی صادقی، وحید صادقی، ولی اله صادقی، امیر عبدی، مسعود علیزاده، مصطفی فتحی سقزچی، امیر فیروزی، حسین قاسمی دهقی، ابراهیم قدرتی نوشهر، علیرضا قربانی، خانم اعظم قربانی، خانم فهیمه کریمزاده، امید کریمی، حسین گراوند، یاسین لطفی، حسین لطیفی، مجتبی لک، علی محمدی، مهدی محمودی، بهمن محمودی، رسول محمودی، باقر مظفری، یلداسادات مقدم، ملیحه مهربانی، مصطفی موسی زاده، علیرضا نجفی درایی، سعیدزاد حسینی نوشهر، سیدشاهین نوری، حاجی حسین وائقی

اسامی نامزدهای انتخابات شوراها اسامی شهر قلعه نو

عبداله ابراهیمی، داود آتش بزرگ، پداله احمدی مطلق، داود اردستانی ابراهیم آباد، ابوالقاسم باغیرت، فاطمه بختیاری محمدیه، ندا بنده علی نصرآباد، اعظم بیرون محمد رضا تاجیک، محمد صابر تورشیزی، سید ابوالفضل حسینی زاده هرات، اسمعیل حیدری، عصمت خان محمدی، احمد خسروی، زهرا

عملی قبیح، حرام و غیر قانونی بدون نظارت دستگاه های نظارتی

تریاک بگیر؛ رای بده!



گرفته است. در کنار آن این اقدام از دیدگاه مراجع تقلید هم تقبیح شده است. آیت الله مکارم شیرازی: استفاده از امتیازات مختلف برای خریدن آراء در انتخابات اسلامی مطلقاً جایز نیست و کسانی که از این راه کسب رأی کنند مشروعبت آنها زیر سوال است و رأی دهندگانی که با این امور به افرادی رأی می دهند که صلاحیت ندارند و از نظر شرعی مرتکب خلاف شرع شده اند. آیت الله علوی گرگانی: اینگونه کارها خلاف اخلاق انتخاباتی است و باید اجتناب گردد. همچنین دریافت این پولها در انتخاب افراد موثر و شایسته برای اداره کارهای مهم مملکت نوعی عمل مذموم است و شایسته نیست و اگر موجب از بین رفتن حق و یا احیای منکری در جامعه شود بعید نیست که حرام هم باشد. اما در جدیدترین اطلاعاتی که به دست من رسیده برخی از هواداران کاندیدها برای خرید رای تریاک توزیع می کنند. این در حالی است که در دوره قبل فیلم عرق خوری در یک محفل انتخاباتی برای جمع کردن رای هم در فضای مجازی شهرستان منتشر شد. این مهم راقطعانه های نظارتی اطلاع دارند و نیاز به تکرار نیست.

مسئولان شهرستان منتشر کردم که حتی حمایتی از برخی دستگاه های نظارتی و مدیریتی برای مبارزه با فساد مشاهده نکردم و بالعکس با تمام توان سد راه من شدند. در جدیدترین گزارش های میدانی موضوع خرید و فروش رای در ایام انتخابات بود. بر اساس گزارش های دریافتی از شهروندان و مشاهداتی که داشتم گروهی به سراغ آچارتمان های بیش از ۱۰ واحد رفته و پیشنهاد دادند در صورت پرداخت شارژ تمامی اهالی به کاندیدای مورد نظر رای دهند. و یا عوامل برخی کاندیدها به سوپرمارکت محل رفته و اعلام کرده اند همسایه ها را برای خرید رای تشویق کنند و به ازای آن ۲۰۰ هزار تومان و یک گونی برنج تحویل آنها می شود. قول و وعید برای استخدام، برپایی سفره های نذری، اعزام ارادل برای جذب رای در سطح شهر و برگزاری گرده های خصوصی با هدف دادن زمین یا مجوز ساخت، مهمانی در تالارها و خانه باغ ها هم بخش دیگری از روش های خرید رای در این شهرهاست. این در حالی است که قانون برای آن مجازات درجه شش را در نظر

مهرتابان/ خبرنگار ضد فساد مستقر در شهرستان ری / اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ بود که خبر خرید و فروش رای در بخش کهریزک جنجال به پا کرد و دادگستری کهریزک اعلام کرد که برخورد خواهد شد. یک سال بعد هم دو عضو شورای شهر کهریزک به اتهام همین خرید و فروش رای تعلیق شدند؛ هر چند پس از مدتی دوباره به کار بازگشتند. در آن روزها فیلم های زیادی در فضای مجازی از خرید و فروش رای و اتوبوس هایی که برای انتقال رای دهندگان در حال تردد بودند منتشر شد. در همان سال ۹۶ هم صندوق شماره ۱۷ در باقرشهر به دلیل یک تخلف مورد تردید قرار گرفت و موجب بازشماری مجدد و مشخص شد که آراء عمداً یا سهواً اشتباه شمارش شده است برای همین این صندوق ابطال شد. حالا ۴ سال از آن ماجرای تلخ در کهریزک و باقرشهر می گذرد. رقابت ها سنگین تر شده و چون در شهرستان ری رسانه و خبرنگار حرفه ای و بی طرف نداریم برای همین تمامی رخدادهای فسادها و تخلفات انتخاباتی رسانه ای نمی شود. در ماه های اخیر گزارش های زیادی را از سوء مدیریت های

رضاعباسی
عضو سابق شورای کهریزک



پرونده مشکوک رضا

خروج دکتر اقتصاد از شورا

دوره چهارم کارهای زیادی برای شهر انجام دادم که شاید بیش از ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد تومان شود اما در دوره پنجم هیچ انگیزه ای برای کار کردن نگذاشتند برای همین سکوت کردم.

عمومی بازگو خواهیم کرد. از اینکه شما هم وقت دادید و دعوت کردید تا صحبت کنیم ممنون هستیم. هر چند تمایل ندارم اظهارات من منتشر شود و این جلسه بیشتر آشنایی بود. کسبایی زاده: در هر حال بعنوان روزنامه نگار ضد فساد باید با شما گفتگو می کردم تا هم بیشتر خود من و مردم با شخصیت و اقدامات شما آشنا شوند و هم به شایعات مرتبط با شما پاسخی روشن داده شود. گفتگوی من با رضاعباسی در لابی هتلی در تهران به صرف یکک هویج و چای گرم بود. ۱۸۰ دقیقه گپ و گفت که فقط ۲۰ دقیقه آن قابل انتشار بود و الباقی همه قابل پیگیری از نهادهای نظارتی خواهد بود. رضاعباسی زیاد اهل صحبت کردن نیست و وقتی حرفی می زند بعد از گفتن آن پشیمان است و می گوید: اگر امکان دارد این را ننویسید. گاهی هم از این قرار پشیمان می شد. او از برخی از شهروندان و دوستانش ناراحت بود که چطور بدون دلیل او را قضاوت کرده بودند و موجب بدگویی و تهمت علیه او شدند. در مورد پرونده قضایی رضاعباسی مفصل صحبت کردیم که به دلیل آنکه پرونده در مرحله تجدیدنظر قرار دارد و هنوز حکم قطعی صادر نشده نمی توانم آن را رسانه ای کنم. اما آنچه که از ظاهر، رفتار، کردار و سخنان او با مدرک و دلیل مشاهده کردم رضاعباسی بیشتر قیافه ای حق به جانب و قهرمان داشت تا اینکه او را با اتهامی که محکوم شده و از شورای شهر اخراج شده باشد. می گفت: بهتر است در مورد این پرونده فعلا سکوت کنم و اجازه می دهم همه مردم و دوستان و آشنایان هر قضاوتی دوست دارند انجام دهند و از هفت دولت آزادند. اما به زودی با شما در مورد این پرونده مصاحبه ای می کنم. رضاعباسی با حکم دادگاه اسفندماه ۱۳۹۹ از عضویت در شورای شهر کهریزک صلب صلاحیت شد.

مطالبه کنیم که تاکنون بیش از ۹۰ میلیارد تومان شده است. آن زمان بعنوان نایت رئیس شورا شخصا شکایت کردم و موفق شدیم؛ از رضا عباسی سوال کردم که چرا در دوره پنجم آنقدر فعال نبودید؟ چه اتفاقی افتاد که شهر کهریزک ۸ سال قفل شد؟ گفت: بی انگیزه شده بودم. کارها نتیجه نمی گرفت. قدرت های در سایه زیاد بودند. چند مورد اتفاق افتاد و پیگیر بودم وقتی دیدم بی نتیجه است و بیخیال شدم. در شورا پست و مقام نگرفتم و حتی دیگر مصاحبه هم نکردم. فشار زیادی از بیرون شورا بر ما وارد می شد. هر چند شورا اختیارات دارد اما در عمل چنین نیست. کسبایی زاده: جناب آقای عباسی؛ می گویند شما در زمین های تعاونی مسکن فرمانداری یا اراضی سمیعی در کهریزک دست دارید؟ گفتند برادران شما بساز و بفروش هستند و تخلفات زیادی در ساخت و ساز دارند. برادر زن های شما هم به واسطه شما اقداماتی انجام دادند که همه از رانت شما در شورای شهر است. درست است؟ عباسی: من دو برادر دارم که یکی کارمند شهرداری و دیگری در کار املاک صنعتی مشغول است. هر دوی آنها هم اصلا در کهریزک سکونت ندارند چه برسد آنکه از من استفاده کرده باشند. حتی یکی از برادرانم را چند سالی است به دلیل مشغله هایی که دارم ندیدم. شما کل کهریزک را بپرخید بیشتر از ۱۵ سازنده حرفه ای پیدا نمی کنید و بروید سوال کنید چه نسبت یا صحنی با من دارند؟ من خردم عضو کمیسیون ماده ۱۰۰ بودم و بیشترین تخریب ها را داشتیم آن وقت مدعی می شوندم من ساخت و ساز غیر مجاز داشتم؟ خود من ۸ سال است هیچ ساخت و سازی نداشتم و چطور این تهمت ها را می زنند؟ اگر هم کاری برای کسی انجام دادم فقط نیت و هدفم باز کردن مشکلات دیگران بوده و بابت آن حق الزحمه و پولی دریافت نکردم که بخواهم امروز از آن بترسم. بهتر است به حرف دروغگوها گوش نکنیم. حرف و سخن همیشه در این شهر پشت آمدها زیاد است. رضاعباسی در مورد دیدگاهش در مدیریت شهری می گوید: شهرداری کهریزک دچار روزمرگی شده و مهمترین نقد به آقای یحیی پور شهردار برکنار شده آن بود که همیشه پشت میز و اتاقش بود و به صورت میدانی در شهر دیده نمی شد تا از نزدیک وضعیت را بررسی کرده و با مردم گفتگو کند. در مورد انتخاب علی کلهر بعنوان شهردار جدید کهریزک هم باید بگویم نقطه مثبتی برای شورا و شهرداری خواهد بود چون هم شرافت و هم تجربه دارد و در این زمان اندک بهترین گزینه بود. با این حال اگر من شهردار کهریزک باشم ابتدا باید معیار را آزادسازی کنم. بعنوان مثال خیابان شهید مطهری سالهاست بن بست است. دوم آنکه باید بازارچه مرکزی ایجاد کرد و به فکر احیای کمر بندی برای شهر بود. چه بخواهیم چه نخواهیم ۸۰ درصد بودجه ۲۰۰ میلیاردی شهرداری کهریزک از همین ساخت و سازهاست و فکری برای اقتصاد پایدار ندارند. عباسی معتقد است که اگر کاندیداها با لیست وارد شورا شوند موفق تر خواهند بود. او می گوید: کاش اعضای شورای شهر قبل از ورود بیشتر مسائل را آگاه شوند چون شاید ماه ها طول بکشد تا امور شهر سازی و معماری و خدمات شهری و غیره را مسلط شوند و در مورد آن قانون گذاری و نظارت داشته باشند. او می گوید: این نحوه شوراداری درست نیست و شورا از مسیر اصلی و قانونی خود خارج شده است. من ناگفته های زیادی دارم که در وقت مناسب آنها را برای تنویر افکار

مهر تابان/ سید هادی کسبایی زاده/ چند هفته قبل دوستانش تولدش ۴۷ سالگی اش را تبریک گفتند. رضاعباسی پدر ۲ فرزند است که دختر بزرگش این روزها خودش را برای کنکور آماده می کند. او با دو مدرک تحصیلی کارشناسی عمران و مدیریت پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد، بعنوان دانشجوی رشته دکتری اقتصاد در حال تحصیل است. ابزار فروش خیابان های کهریزک در سومین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا تصمیم می گیرد وارد عرصه انتخاباتی شود. دور سوم بعنوان علی البدل انتخاب شده و دور چهارم و پنجم وارد شورای شهر کهریزک می شود. او دلیل موفقیتش را در موفقیت در انتخابات، وجهه و اعتبار پدرش می داند و اینکه هیچ وقت برای جمع آوری رای اقدام به خرید رای از مردم نکرده است. حتما می دانید چرا از رضاعباسی دعوت کردم تا با من مصاحبه کند! بله درست است. علت این گفتگو اخراج و سلب صلاحیت او از شورای شهر کهریزک (دوره پنجم) است. اما قبل از ورود به این ماجرا بعنوان نخستین سوال از او پرسش کردم که شما در دوره چهارم شوراها چه کار مفیدی برای شهر کهریزک و مردم انجام دادید که به آن افتخار می کنید؟ در پاسخ گفت: ۲۵ هکتار زمین که متعلق به آسایشگاه سالمندان کهریزک بود را با عنایت و تعامل مدیر آسایشگاه برای کاربری فضای سبز و پارک فعلی «مشاهیر» شهر کهریزک گرفتم. که واقعا از این دوستان ممنونم که چنین لطفی کردند. همین زمین چقدر ارزش دارد؟ کدام نهاد و شخص می آید این مقدار زمین در بهترین موقعیت کهریزک را هبه کند؟ یا اینکه ۲ هکتار زمین بلاصاحب در شهر کهریزک را پیدا کردم که روبروی امامزاده ای در محله قلعه شیخ بود. توانستم دیوار کشی کنیم و امروز بخشی از زمین های شهرداری کهریزک است. مورد دیگر که شخصا برای آن خیلی تلاش کردم و حتی ضربه خوردم جلوگیری و اعتراض به تبدیل موقوفه ای بود که هم اکنون مرکز درمانی شهید هاشمی نژاد است. شهرداری تهران می خواست این مرکز را با کمک بهزیستی به محلی برای اسکان زنان خیابانی تهران تبدیل کند. اگر محقق می شد برای کهریزک یک فاجعه دیگر بود. با آقای جمالی پور فرماندار وقت جلسه ای با دکتر انوشیروان محسنی بندپی رئیس وقت بهزیستی کشور داشتیم و جمالی پور گفت: اجازه چنین کاری نمی دهم! همین صحبت جمالی پور در ذهن محسنی بندپی باقی ماند تا اینکه محسنی بندپی استاندار تهران شد و پس از مدتی جمالی پور از فرمانداری ری رفت. البته نمی گویم علت رفتن جمالی پور مقاومت او در برابر محسنی بندپی در آن زمان بود، فقط خواستم ماجرا را توضیح دهم. با این حال حتی از دفتر مقام معظم رهبری هم استفساریه گرفتم که این کار شرعا درست نیست و عمل به نیت واقف باید رخ دهد. برای همین الان هم به دلیل همین مقاومت ها این مرکز پلمپ است و بهزیستی اقدامی نکرده است. در دوره چهارم به دنبال آن بودم ملک کنار شورای شهر کهریزک را خریداری کنیم تا جاده کنار گذر کندرو ساخته شود که به دلیل آنکه ملک برای سازمان هواپیمایی کشوری بود اجازه ندادند و مقاومت کردند. در مورد پرونده آرادکوه (مرکز دفن زباله های پایتخت در کهریزک) هم تلاش های زیادی انجام دادم. توانستم با شکایت به دیوان عدالت اداری عوارض خودروهایی که وارد کهریزک می شوند را از شهرداری تهران



آنچه که از ظاهر، رفتار، کردار و سخنان او با مدرک و دلیل مشاهده کردم رضاعباسی بیشتر قیافه ای حق به جانب و قهرمان داشت تا اینکه او را با اتهامی که محکوم شده و به دلیل آن از شورای شهر اخراج شده را تطبیق دهم.

سوت زنی

فضای آموزشی چه شد؟

اعتراض مردم باقرشهر به عدم نظارت شهرداری بر یک قرارداد

مهر تابان / گروهی از خانواده شهدا، ایثارگران، کسبه و ورزشکاران باقرشهر طی طوماری اعلام کردند که یک تلافی در بخش سرانه آموزشی شهر رخ داده است. در این طومار که در اختیار هفته نامه مهر تابان قرار داده شده آمده است: ما مردم شهیدپرور باقرشهر مطلع می باشیم که اعضای شورای اسلامی باقرشهر در زمان ریاست مجتبی پرک بر شورای شهر یک قطعه زمین با کاربری آموزشی (پلاک ثبتی ۱۰۳ در اراضی چرم سازی - جنب پارک) به متراژ ۱۶۴۶ متر از طریق مزایده به فردی به نام خانم عطا الله واگذار شده و وی موظف بوده نقدا وجه مزایده را پرداخت کند اما این زمین در ۳۶ قسط و با قیمتی پایین واگذار شده و علی رغم مفاد قرارداد هیچ مدرسه ای هم در آن ساخته نشده است. چون این فرد مدرسه ای نساخته طبق قرارداد در فروردین ۱۴۰۰ باید زمین به شهرداری عودت پیدا کند. لذا می خواهیم که این موضوع بررسی شود. به گزارش خبرنگار، گفته شده که در اصل پشت این مناقصه مجتبی پرک عضو شورای شهر باقرشهر قرارداد و جعبه سیاه این پرونده اوست و می تواند حقایق را بازگو کند.

بنابر این گزارش در نامه ای که به ریاست اداره اطلاعات جنوب تهران از سوی امضا کنندگان طومار ارسال شده آمده است: شهرداری باقرشهر در دوره آقای ناصری پور شهردار وقت طی مصوبه ۲۲ آذرماه ۱۳۹۶ زمینی به وسعت ۱۶۴۶ مترمربع با کاربری آموزشی در اراضی کوی دانش (چرمساز) طی مزایده ای به فروش گذاشت و خانم مریم عطاالله فرزند محمد با مبلغ یک میلیارد و ۱۵۲ میلیون تومان برنده مزایده شد. در حالی که باید زمین نقدا تسویه می شد اما ۵۰۰ میلیون تومان نقد و الباقی در ۳۶ قسط تصویب شد. در حالی که در مصوبه شورای شهر باقرشهر اشاره ای به فروش اقساطی زمین نشده و حتی در برگه مزایده هم چنین چیزی درج نشده است.

البته مسئولین شهرداری باقرشهر یک برگه دست گرفتند و می گویند که طبق کمیسیون تسقیط و ماده ۷۷ شهرداری می توانستیم تسقیط کنیم در حالی که این ماده قانونی شامل فروش ملک نمی شود و برای عوارض و جرائم است. حالا یک بنده خدایی احتمالا اعمال فشار کرده که نام او در این نامه ذکر شده است که این رسانه فعلا تا پاسخ اطلاعات منتشر نخواهد کرد.

پس از انتشار این اعتراض در فضای مجازی از سوی سردبیر مهر تابان، مجتبی پرک در پیامی از طریق واتس آپ خطاب به خبرنگار مهر تابان نوشت: کسانی که پشت این ماجرا هستند یک تیم هستند و دوسه نفر هم بیشتر نیستند. من خاک پای خانواده های شهدا و ایثارگران و مردم هستم که مرا بابت بیت المال هدر نرود. ولی این داستان از ناحیه دوسه نفر اب میخوره و قطعاً دشمنی شخصی با من دارند. در هر حال کل اسناد مدارک مثبت این پرونده که با ۷ امضا شورای شهر کاملاً قانونی است برای شما ارسال می کنم. همچنین تقسط کار شخص نیست و کمیسیون تقسط وجود دارد (شبهه قضایی) که قاضی و نماینده وزارت کشور و نماینده شورا که خوشبختانه من در آن موقع عضو نبودم. دوستان عضو شورا شاهد هستند که من مخالف فروش سرانه های آموزشی به خصوص بودم. حتی زمین ۳۵۰۰ متری آموزشی واقع در کوی ارغوان را هم مصوب کردند اما بنده با کمک فرماندار وقت این مصوبه از دستور خارج شد و الان توسط خیر محترم در حال احداث است. این مزایده کاملاً قانونی و بدون خدشه بوده آنهایی که این داستان سراسری را انجام میدهند نیت تخریب بنده را دارند و دلیل آن را هم حضوری با مستندات خدمتان عرض میکنم. البته مجتبی پرک در پاسخ به برخی سوالات گفت: شهردار وقت آقای ناصری پور در دسترس هستند و ارتباطی با شورای شهر نداشته است و از او سوال کنید. از مجتبی پرک سوال کردیم که چرا با اینکه اقساط از سوی این خانم پرداخت نشده اما قراردادش فسخ نشده است؟ اگر هم اقساط را داده پس چرا طبق قرارداد ساخت مجتمع آموزشی اجرا نشده است؟ طبق قرارداد وقتی اجرا نشود باید قرارداد فسخ شود؟ چرا فسخ نشده است؟ پرک در پاسخ گفت: سید عزیزم؛ قربان خودت و جد بزرگوارت؛ به والله به پیر و پیغمبر من مخالف فروش زمین های آموزشی بودم و خود دوستان شورا هم شاهد هستند. اگر کم کاری و یا هر چیز دیگر رخ داده جایگو شهردار ها هستند نه من عضو شورا! این یک توطئه از سمت دوسه نفر هم بیش نیست و به جدت قسم؛ در ضمن اگر قرار باشه چیزی را شورا جواب بده باید ۷ عضو جواب بدهند نه یک نفر.. شهرداری شهردار دارد و با چند واحد مربوطه و کلی قانون و هر آنچه که قانون در این مورد حکم میکند اجرا کنند و اگر این زمین عودت بشه تازه من به خواسته ام میرسم که از روز اول مخالف فروش و مزایده بودم.

ناصری پور شهردار سابق باقرشهر پس از اطلاع از ماجرا و اظهارات پرک در پیامی از طریق واتس آپ خطاب به سردبیر مهر تابان نوشت: مجوز و فروش زمین از طریق مزایده قانونی بود اما حرف و حدیث های زیادی پشت این موضوع بود که نهادهای امنیتی باید پیگیری کنند. بالاخره منم کلا مخالف فروش حتی یک متر از سرانه ها بوده و هستم. آن موقع یادم هست پیگیری فروش زمین بعضی از اعضای محترم شورای شهر بودند. اما از نظر قانونی قیمت کارشناسی شده مجوز شورا صادر شد و از طریق مزایده عمومی به فروش رسید و مقرر شد اگر مدرسه ای ساخته نشد زمین برگشت داده شود. الان دوستان شهرداری باید پیگیری کنند تا زمین به شهرداری بازگردد.

اظهارات منتقدان و مدافعان در حالی است که مدارک و مستندات نشان می دهد تاریخ ۱۴ تیرماه ۱۳۹۹ سعید استاد فرج شهردار باقرشهر نامه ای به شماره ۷۰۱۴۶۸ به مریم عطاالله ابلاغ کرده که در آن آمده است: با توجه به اینکه ۲۵ سال از قرارداد می گذرد اما برخلاف ماده ۷ قرارداد (۱۵/۹۲۴) مورخ ۲۶ فروردین (۱۳۹۷) اقدامی برای ساخت مرکز آموزشی انجام نداده اید. اگر پیگیری و اقدام نکنید وفق قانون برخورد خواهد شد. این نامه نشان می دهد که یک کار غیرقانونی شکل گرفته و سرانه آموزشی شهر با چالش روبرو شده است. البته بهتر بود که آموزش و پرورش شهرستان ری در این مهم ورود می کرد چون به عنوان نهادی دولتی و اجرایی باید مدافع فضاهای آموزشی شهرستان باشد. امیدواریم در این پرونده هر چه زودتر در دست اقدام قرار بگیرد و شهروندان به طور شفاف و بر اساس قانون مناقصات و مزایده ها را مشاهده و از آن مطلع باشند.



علی کلهر

شهردار جدید کهریزک

علی کلهر شهردار کهریزک شد

مهر تابان / با رای اکثریت شورای شهر کهریزک پس از برکناری و استیضاح یحیی پور (شهردار سابق) علی کلهر شهردار کهریزک شد. (البته باید به تأیید کمیته انطباق برسد و فقط رای شورا است) او در کارنامه کاری خود ۱۶ سال عضویت در شورای روستا، ۸ سال عضویت در شورای بخش و ۴ سال ریاست شورای بخش کهریزک را برعهده داشته است. علی کلهر متولد اردیبهشت ۱۳۵۳ در روستای «قلعه نوچمن» از توابع بخش کهریزک است که در مصاحبه ای که فروردین ماه ۱۴۰۰ با هفته نامه سراسری مهر تابان داشته گفته است گفته: پیشنهاد شهرداری کهریزک را می پذیرم. وی همچنین در دی ماه ۱۳۹۹ طی حکمی از سوی فرمانده ناحیه مقاومت بسیج حضرت روح الله (ره) بعنوان رئیس بسیج ادارات کهریزک منصوب شد. رضا کلهر پسرعموی او جزو کاندیدای دارای صلاحیت برای دوره ششم انتخابات شوراها در کهریزک محسوب می شود که شانس ورود به شورا را دارد. علی کلهر هر چند سابقه شهرداری ندارد اما مدعی است که در دوره او بیش از ۵۰ میلیارد تومان پروژه های عمرانی در روستاهای کهریزک اجرا و نظارت کرده است. البته این انتخاب از سوی شورای شهر کهریزک بوده و باید کمیته انطباق شهرستان ری صلاحیت او را تأیید کند. او مدعی است که گرایش سیاسی ندارد و در ردیف اصلاح طلبان و اصولگرایان به دلیل حساسیت شغل اش قرار نگرفته است. گروهی از شهروندان کهریزک می گویند: شناختی در مورد او نداریم اما اخبار نشان می دهد که عملکرد مثبتی در شورای بخش داشته است و اهل زد و بند و رشوه نیست. گروه دیگری معتقدند که علی کلهر در گروه حسین توکلی و امین بابایی قرارداد و مثلث مدیریت شهر را در دست خواهند داشت. حالا باید دید که سر نوشت شهر کهریزک پس از تأیید فرمانداری در دستان علی کلهر که در چارت بسیج جا دارد چگونه خواهد شد. یحیی پور شهردار سابق کهریزک در مورد انتصاب علی کلهر گفت: با احترام به اعضای شورای شهر کهریزک در انتخاب آقای کلهر به عنوان شهردار من هم به او تبریک می گویم اما ما شهرداران با تجربه و کلاسیک تری هستیم! اما اینکه شما (خبرنگار) در فضای مجازی بیان کردید که یحیی پور چهره ای اخمو داشته باید بگویم که این دیدگاه غرض ورزی بعضی از مدیران بخش بوده که در جهت رسیدن به اهداف شان در برکناری بنده از سمت شهردار کهریزک با سواد تحصیلی مربوطه و سوابق مدیریت شهری در شهرهای بزرگ و مختلف کشور انجام دادند که البته موفق هم شدند. به هر حال حسن قدرت طلبی عضوی از اعضا شورای شهر و معادلات درونی دوستان منجر به پسرقت شهر و برهم ریختگی نظام مدیریت شهری کهریزک شده که انشاءالله امیدوارم با مدیریت خنده رو شهر کهریزک (علی کلهر) به تعالی و پیشرفت مورد نظر در ارائه خدمات عمومی برسد. در ضمن من با این رزومه و کارنامه در برابر علی کلهر قابل مقایسه نیستم. اظهارات یحیی پور در حالی است که گروه زیادی از شهروندان کهریزک طی پیامی به خبرنگار ضدفساد این انتخاب را تبریک گفته و از انتخاب شهردار بومی برای کهریزک ابراز رضایت کردند. گروه دیگری هم با انتقاد از این انتصاب گفتند که او سابقه شهرداری ندارد و تضمینی برای موفقیتش در شهر پریماهو، نتخلف شده و سیاسی کهریزک نیست. برخی از شهروندان بیان کردند: شهر کهریزک حدود یک سال در اختیار یحیی پور (شهردار سابق) بود اما هیچ پروژه ای در آن آغاز و پایان نیافت و وقتی از او سوال کردیم مشکلات را برگردن شورای شهر و مافیای نوع برنامه ریزی انداخت. آیا تجربه اینچنین است؟ آیا شهرداران حرفه ای اینطور عمل می کنند؟ این در حالی است که پس از برکناری دیگر حاضر نشد با مهر تابان مصاحبه کند و سوالات زیادی بی پاسخ مانده است.

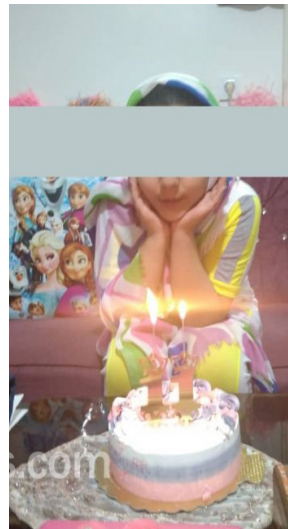


گزارشگر

گزارش یک کار خوب

سنگ تمام برای تولد هستی

مهر تابان / خبرنگار مهر تابان طی فراخوانی از خیرین دخترک روستایی را به آرزویش رساند. در این گزارش آمده است: هستی ۱۰ ساله در یکی از روستاهای حاشیه جنوب تهران با مادری معلول زندگی می کند و پدر چند سالی خانه را ترک کرده است. او از سوی یک موسسه خیریه به من معرفی شد و وقتی برای بررسی به خانه آنها رفتم وضعیت خوبی نداشت. هستی محصل است و برای امتحانات مجبور بود از تلفن همراه همسایه به مدت کوتاه در روز استفاده کند تا آن لاین در کلاسها حضور داشته باشد. موضوع در کانال خبری که مرتبط با خبرنگار مهر تابان است منتشر شد و به کمک خیرین همزمان با تولد هستی همراه مادرش در هتلی در تهران دعوت شد و هدایای خیرین شامل تبلت، لوازم تحریر و غیره تقدیم شد. بعد هستی به همراه یکی از خیرین به بازار رفت و لباس های دلخواهش را خریداری کرد. جمع هزینه های تولد و کمک خیرین حدود ۷ میلیون تومان شد و همان شب کیک تولد هستی با حضور مادر بریده شد. این چندمین بار است که مهر تابان برای ایتم و خانواده زندانیان مراسم جشن تولد برگزار می کند.



گزارش ویژه از بزرگترین معضل زیست محیطی جنوب تهران

حکم مرگ مردم

قاضی آزادکوه را هشت میلیون جریمه کرد!



news.com

پس از افشای تخففات زیست محیطی از سوی کارشناسان رسمی دادگستری، شعبه ۱۰۶۰ دادگاه کیفری ۲ تهران (کارکنان دولت) مجموعه آزادکوه را برای این همه جنایت زیست محیطی فقط ۸ میلیون تومان جریمه نقدی آن هم در حق دولت

نکته دیگر آنکه خبرنگاران حرفه ای و منتقد و حامیان محیط زیست حق ورود آزادانه به این مرکز (آزادکوه) را ندارند و به مرکزی شبه نظامی و امنیتی تبدیل شده است. آیا امحای زیاده های عفونی و بیمارستانی در این مرکز استاندارد است؟ آیا سگ های ولگرد حاضر در این مرکز سالم و با مجوز هستند؟ آیا مثل بسیاری از کشورهای توسعه یافته ۹۰ درصد زیاده ها بازیافت می شود؟ آیا مافیای پلاستیک و طلای کثیف در این مرکز تردد و تعامل ندارند؟ آنچه که به چشم مشهود است شکل گیری مافیای پلاستیک و زیاده در اطراف آزادکوه است به نحوی که زمین های کشاورزی روستاهای اشرف آباد، قمصر و مجیدآباد از بین رفته و یا تبدیل به کارگاه های غیرقانونی بازیافت پلاستیک شده اند و قوه قضائیه هم توان مقابله ندارد.

حکم دادگاه و یک تاسف و تامل بزرگ!

دادگستری و قاضی دادگاه کهریزک سالهای قبل بر علیه این مرکز اعلام جرم می کند که نتیجه ای جالب و قابل تاسف به همراه داشته است. اول آنکه پرونده ردصلاحیت خورده و به تهران منتقل می شود. من (خبرنگار) پرونده را در تهران دنبال کردم و به نتیجه ای تاسف بار رسیدم. بر اساس رای دادگاه کارشناسی ۳ نفره اعلام کرده که مرکز آزادکوه فاقد سیستم جمع آوری شیرابه زیاده ها بوده و موجب آلودگی خاک شده است. (طبق ماده ۱۶ قانون حفاظت از خاک: تحریب کنندگان خاک مکلفند بلافاصله پس از دریافت اخطار وزارت، فعالیت منجر به تحریب را متوقف و ظرف مهلت معینی که از طرف وزارت اعلام می شود خاک را بازسازی و جبران خسارت نمایند. مستنکف علاوه بر توقف فعالیت، بازسازی خاک و جبران خسارت با حکم مراجع قضائی به جزای نقدی دو تا پنج برابر خسارت وارده محکوم می شود). همچنین کارشناسان اعلام کردند سیستم جمع آوری گازهای و کنترل گازهای دفن زیاده پیش بینی نشده که موجب بروز خطر انفجار در منطقه خواهد شد. همچنین بر اساس قانون فاصله آزادکوه با فرودگاه غیرقانونی و رعایت نشده است. نکته دیگر آنکه زیاده ها را در فضای باز می سوزانند که برخلاف ماده ۲۰ و ۳۴ قانون هوای پاک است. در این قانون آمده است: (انباشت پسماندهای بیمارستانی و صنعتی در معابر عمومی و فضای باز یا سوزاندن آنها و انباشتن پسماندهای خانگی و ساختمانی در معابر عمومی و فضای باز خارج از مکانهای تعیین شده توسط شهرداری ها و دهیاری ها یا سوزاندن آنها و همچنین سوزاندن بقایای گیاهی اراضی زراعی پس از برداشت محصول ممنوع بوده و متخلف حسب مورد به جزای نقدی درجه شش موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم می شود). تاسف آن است که شعبه ۱۰۶۰ دادگاه کیفری ۲ تهران (کارکنان دولت) مجموعه آزادکوه را برای این همه جنایت زیست محیطی فقط ۸ میلیون تومان جریمه نقدی آن هم در حق دولت محکوم کرده که قابل اعتراض است. یعنی امکان دارد کمتر شود. مردم کهریزک می توانند از مجموعه آزادکوه به دادگاه بخش کهریزک رسماً شکایت کنند و مانع ادامه فعالیت این مجموعه خطرناک در سطح شهر شوند. *بخشی از مصاحبه مهرتابان با دکتر صدرالدین علیپور رئیس سازمان پسماند شهرداری تهران: کسای زاده: یکی از مهمترین اقدامات در آزادکوه استفاده از دستگاه زیاده سوز است در حالی که فقط یک دستگاه آن هم در سطح کمی داریم. چرا؟ علیپور: این دستگاه های زیاده سوز از حدود شش سال قبل از چین خریداری شده است. اما کفاف نیاز ما را نمی دهد. زیرا فقط ۲۰۰ تن را در بر می گیرد و ما می خواهیم به ظرفیت زیاده سوزی روزانه ۱۰۰۰ تن برسیم. این دستگاه ها چینی هستند و اگر بشود تصمیم داریم برای برخی از قطعات آن از قطعات ایرانی استفاده کنیم. کسای زاده: خوب این زیاده سوزی هم گاز دارد. آن چه می شود؟ علیپور: گازهای ناشی از زیاده سوزی توسط فیلتر پالایش شده و تحت نظارت محیط زیست است. ناگفته نماند که این مجموعه (آزادکوه) فقط یک سلول زیاده سوزی زیاده های عفونی دارد! و این فاجعه است.

مهرتابان/ باید بسیاری از جوانان کهریزک و شهرستان ری به یاد داشته باشند که روزگاری زیاده ها بیشتر در منطقه خرم تپه در انتهای ۶۰ متری (شورآباد) کهریزک تخلیه می شد. در سال ۱۳۴۹ مشکل زیاده ها به نحوی رسید که مسئولان شهر تصمیم گرفتند تا دستگاه های زیاده سوز از انگلستان خریداری کرده و به کهریزک منتقل کنند. پس از آغاز به کار دستگاه ها مشاهده شد که نوع سوزاندن و روش کار با نوع زیاده های شهر تهران سازگاری و تناسب ندارد. برای همین این طرح شکست خورد و موضوع مکان یابی دفن زیاده های تهران به عنوان یک ضرورت قوت گرفت و گروهی پلاک ۲۲۸ آزاد کوه و سعیدآباد را بعنوان محل دفن زیاده های تهران معرفی کردند. رفت و آمد خودروهای حمل زیاده به منطقه حسین آباد و شورآباد و باز شدن حوضچه های شیرابه و نفوذ به ذخایر آبی و خاکی موجب شد تا خرید این زمین و مکان ویژه ای برای دفن زیاده های پایتخت در دستور کار قرار بگیرد. ابتدا به سراغ منطقه حوض سلطان (دریاچه نمک) در استان قم رفتند که مورد توجه و تأیید کارشناسان خارجی قرار گرفت اما محیط زیست به دلیل برهم زدن نظم اکوسیستم با آن مخالفت کرد. دوباره کارشناسان آلمانی به ایران دعوت شدند و این بار زمینی در شهرستان ورامین معرفی شد که کارشناسان به دلیل دسترسی به آب شیرین با این مکان هم مخالفت کردند. مرحله سوم زمین ها و اراضی هوشنگ آباد در فشافویه بود که پلاک ۵۳، ۵۴ و ۵۵ را شامل می شد. هدف آن بود که در صورت بروز زلزله در تهران بار خرابی ها و زیاده های ساختمانی در هوشنگ آباد تخلیه شود و ویژه زیاده های خشک باشد که به دلایلی آن هم متوقف شد. بالاخره منطقه آزادکوه در کهریزک انتخاب شد. آن زمان حتی بانک جهانی پیشنهاد کمک ۷۰ میلیون دلاری به ایران داد تا منطقه هوشنگ آباد به عنوان سایت زیاده ها و بازیافت شهر تهران انتخاب و زیرسازی و تجهیز شود. آن زمان طرحی را ارائه شد و یکی از مدیران محیط زیست وقت پیشنهاد داد که ۲ کیلومتر خط آهن فرعی به سمت خط آهن اصلی قطار تهران-قم متصل شود و روزی یک بار زیاده های تهران با واگن های باری زیاده ها را بارزده و به هوشنگ آباد منتقل کند. شهرداری و گروهی از منتقدان موضوع هجوم پرندگان و لاشخورها را بهانه کردند و گفتند به دلیل نزدیکی به فرودگاه امام خمینی (ره) موجب برهم زدن استانداردهای هوایی می شود و اصرارها موجب شد تا راحت ترین راه و نزدیک ترین راه به تهران یعنی منطقه آزادکوه در دل شهر کهریزک انتخاب شود. و امروز عمده زیاده های شهر تهران در آزادکوه دفن می شود در حالی که چیزی به نام سیستم کامل و حرفه ای بازیافت زیاده وجود ندارد. البته دنیا ثابت کرده که زیاده طلای کثیف است و می توان با آن چرخه اقتصاد را حرکت داد.

سرنوشت زیاده ها در اندونزی

در شهر مالنگ اندونزی از زیاده های شهر استفاده بسیار جالبی می شود. در این شهر زیاده نوعی بیمه بالینی محسوب می شود که با استفاده از آن بیماران می توانند خدمات پزشکی و دارو دریافت کنند. پس از دریافت، زیاده های جمع آوری شده به پول نقد تبدیل و به شبکه بهداشت و درمان منتقل می شود.

سرنوشت زیاده ها در سوئد

سوئد بخاطر پیشرفت های زیست محیطی تصاعدی خود مشهور است. سال های بسیاری است که این کشور انرژی مورد نیاز خود را از زیاده ها تأمین می کند. سیستم تبدیل زیاده به انرژی در این کشور اسکاندیناوی به شیوه ای مؤثر گرمایش مستقیم بیش از ۹۵ هزار خانوار و برق مورد نیاز برای ۲۶۰ هزار خانه سوئدی را فراهم می آورد. سطل های زیاده های بازیافتی این کشور به حدی مؤثر و کارآمد است که تنها یک درصد از زیاده های تولیدی برای دفن به محل های مورد نظر انتقال می یابند. علاوه بر این با داشتن دید کالایی نسبت به زیاده، سوئد حتی با خرید آن از دیگر کشورهای اروپایی، به تأمین نیازهای انرژی خود می پردازد.

سرنوشت زیاده ها در هند و هنگ کنگ

و یا در هند کمی متفاوت تر است. یکی از شیمی دانان برجسته هندی راهی برای تبدیل بسترهای پلاستیکی رایج به عنوان جایگزین قیر که ماده اصلی آسفالت محسوب می شود، ابداع کرده است. افزایش سطح پسماندهای پلاستیکی در این کشور که به دنبال توسعه سریع اقتصادی هند رخ داده است، در نظر این شیمی دان خوش بین نعمتی برای جایگزینی بسیاری از مواد شیمیایی مصرفی به حساب می آید. وی و علاقمندان به دیدگاهش، به زیاده مانند گنجی از منابع بی استفاده نگاه می کنند. شیوه اختراعی این شیمی دان علاوه بر رفع معضلات زیست محیطی، باعث صرفه جویی در هزینه ها نیز می شود؛ چرا که جایگزین کردن پلاستیک به جای قیر با تمامی هزینه های جمع آوری و تبدیل، در نهایت با مبلغی حداقل ۱۵ درصد ارزان تر از قیر تمام می شود. Sai Tso Wan، محل دفن بیش از یک میلیون و ۶۰۰ تن زیاده با ارتفاعی معادل با ۶۵ متر در هنگ کنگ بود. در سال ۱۹۸۱ این مرکز تعطیل و با خاک پر شد. در سال ۲۰۰۴ در این محل تفریح گاهی چند منظوره ایجاد شد که انرژی مورد نیاز آن با استفاده از توربین های بادی، انرژی خورشیدی و انرژی متان حاصل از تجزیه زیاده های انباشته تأمین می شود.

برلین و اسلو موف تر بودند

برلین، شهری صنعتی در قلب آلمان توسعه یافته، نه تنها میزان تولید زیاده اش کمتر است، که با ۴۵ درصد بازیافت، خود را یکی از موثرترین شهرهای دوستدار محیط زیست در دنیا معرفی کرده است. همچنین اسلو پایتخت نروژ با بازیافت بیش از ۵۰ درصد زیاده هایش، در صدر شهرهای موفق دنیا در زمینه کنترل زیاده قرار دارد. اما با وجود تولید سالی سه میلیون تن زیاده در تهران، هیچ منبع رسمی ای نیست که میزان زیاده های بازیافتی از این حجم پسماند را اعلام کند. اگرچه آزادکوه، به عنوان مرکز دفن، سوختن و بازیافت زیاده های پایتخت، در جنوب شهر قرار دارد، اما این مرکز حالا خودش هم به خاطر تولید آلودگی های فراوان به بحرانی محیط زیستی تبدیل شده است.

آزادکوه: اسوه و الگوی مدیریت پسماند و زیاده در کشور!

سوال این است که آیا اقدامات علمی و تخصصی برای بازیافت در آزادکوه شکل می گیرد؟ نکته قابل تاسف در آزادکوه آن است که کود تولیدی در این مرکز کیفیت چندانی ندارد و حتی شهرداری تهران برای فضای سبز خود از این کود کمتر استفاده می کند. همچنین دود و بخارات حاصل از زیاده سوزی های غیراستاندارد هم شائبه سرطان زا بودن دارد.

هفته نامه سراسری مهر تابان

شماره: ۲۳۵
۲۵ خردادماه ۱۴۰۰
صاحب امتیاز:
کانون همبستگی فرهنگیان ایران
مدیرمسئول:
علی قاضیسردبیر:
سید هادی کسایی زاده
تلفن: ۰۹۱۲۶۵۰۱۵۶۴آدرس:
تهران-خیابان دستواره-خیابان

از میان ۴ گزینه نهایی برای تصدی قوه قضائیه
۲ گزینه شانس کمتری دارند و رقابت میان
غلامحسین محسنی اژه‌ای و حمید شهریاری
نزدیک تر است و باید منتظر ماند تا نتیجه
انتخابات تکلیف راروشن کند.

چه کسی قاضی القضاات می شود؟

او ثبت شده و هم اکنون با حکم رهبر انقلاب دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است. اما شنیده شده خودش زیاد تمایلی به ریاست قوه قضائیه ندارد با این حال گزینه جدی محسوب می شود. نفر دوم حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای ۶۵ ساله اصفهانی است که در کارنامه خود قضاوت، دادستانی، وزارت اطلاعات و معاون اولی قوه قضائیه را دارد. اژه‌ای را می توان از قضات پرحاشیه دستگاه قضا عنوان کرد که علی رغم تبحر و تجربه ۳۰ ساله در قوه قضائیه دارای شخصیت سیاسی هم می باشد. گزینه دیگر مصطفی پورمحمدی ۶۵ ساله قمی است که در کارنامه خود معاونت وزارت اطلاعات، وزارت کشور، وزارت دادگستری و ریاست سازمان بازرسی را دارد که شخصیت سیاسی او نسبت به محسنی اژه‌ای پررنگ تر است به نحوی که در سال ۱۳۹۴ برای انتخابات مجلس خبرگان از استان البرز رد صلاحیت شد. او هم اکنون دبیر کل جامعه روحانیت است. و گزینه آخر هم علیرضا اعرافی ۶۵ ساله میبدی است که غیر از امام جماعت و عضویت در شورای نگهبان چیزی در کارنامه ندارد و حتی در انتخابات خبرگان رهبری در سال ۹۴ در تهران رای نیاورد. به اعتقاد من از بین این ۴ گزینه اعرافی گزینه مناسبی برای ریاست قوه قضائیه نمی تواند باشد و باید در مورد ۳ گزینه دیگر بحث کرد. البته رئیس بیشتر تمایل خواهد داشت که پورمحمدی سکان دستگاه قضا را به دست داشته باشد تا در کنار او دولت و قوه قضائیه زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند اما حاشیه های پورمحمدی از خودش پررنگ تر است و به دلیل افکار و گرایش های پررنگ سیاسی اش انتصاب او شائبه زیادی را به همراه خواهد داشت چون رئیس قوه قضائیه طبیعتاً بر اساس افکار عمومی نباید دبیر کل یک حزب و جریان باشد. در این میان رقابت میان شهریاری و محسنی اژه‌ای بیشتر است اما تجربه محسنی اژه‌ای نسبت به شهریاری او را به کرسی ریاست دستگاه قضا نزدیک تر می کند با این حال جوانی، پویایی و نخبگی شهریاری با او برابری خواهد کرد. در پایان قضاوت با مردم است که کدام چهره می تواند دستگاه قضایی را از فساد و تبانی و گرختی نجات دهد و صف مردم در دادگاه های تجدید نظر و دیوانعالی کاهش یابد و خبری از لابی های سیاسی در انتصابات نباشد و واقعا قوه قضائیه ملجأ در ماندگان و مظلومان کشور شود؟ نظر، تخصص و بینش رهبر انقلاب نتیجه را به زودی اعلام خواهد کرد.

مهر تابان/ سید هادی کسایی زاده روزنامه نگار حوزه قضایی و اجتماعی نوشت: با خروج آیت الله سید ابراهیم رئیسی از منصب ریاست قوه قضائیه این نهاد مهم و سرنوشت ساز که سالانه با ۳۰ میلیون ایرانی ارتباط دارد دچار چالش جدی خواهد شد. گفتگویی که با شخص آقای حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای داشتم طیف زیادی از مسئولان دستگاه قضایی رضایت به خروج آقای رئیسی ندارند هر چند از ریاست جمهوری او حمایت می کنند. آنها معتقدند که دستگاه قضایی باید از سوی مدیران ارشد و با تجربه قوه قضائیه هدایت و مدیریت شود و ورود افراد از خارج از بدنه قوه قضائیه آسیب های زیادی به همراه دارد. به اعتقاد من نمونه بارز آن مدیریت ۸ ساله دستگاه قضا توسط آیت الله صادق آملی لاریجانی بود که جدای از تحولات مهم مانند الکترونیکی کردن خدمات قضایی موجب پنهان ماندن بخشی از فساد در دستگاه قضا و سیاست زدگی قوه قضائیه شد. پرورش و یک تازی مفسدانی مانند اکبر طبری از حوره ریاست قوه قضائیه، بیژن قاسم زاده از دادسرای فرهنگ و رسانه و یار کناری شائبه دار عباس جعفری دولت آبادی دادستان وقت تهران، قطبی رئیس دادسرای فرهنگ و رسانه و حتی مرگ مشکوک قاضی منصوری و دستگیری چند صد قاضی فاسد بخشی از این رخدادهاست. آملی لاریجانی در این هشت سال هیچ وقت در جمع خبرنگاران حاضر نشد و نشست خبری برگزار نکرد و پاسخگو نبود و سخنرانی های او بیشتر سیاسی منتشر می شد و انتصباتش در بخش رسانه و مشاوران سیاسی بود که با سفارش برادران لاریجانی همراهی می کرد. حالا کابوس دستگاه قضایی با ورود آیت الله رئیسی به پایان رسید و قوه قضائیه شاهد پویایی و تحرک شد اما خروج رئیسی از دستگاه قضا بیم بازگشت به دوران قبل را می دهد. با این حال گزینه هایی برای جانشینی آیت الله رئیسی بر مسند قوه قضائیه مطرح است که هر کدام بر اساس شناختی که به عنوان خبرنگار قضایی از آنها دارم ویژگی ها و نقدهایی دارد. گزینه نخست حمید شهریاری، ۵۸ ساله تهرانی است که کارنامه اجرایی درخشانی ندارد اما به دلیل اشتغال در ریاست مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم و آشنایی با سیستم های نرم افزاری و سخت افزاری رایانه ای توانست در دوره ریاست آملی لاریجانی در قوه قضائیه علی رغم فشارهای قضات سنتی خدمات الکترونیک قضایی را به دفاتر پیشخوان هدایت کند که این انقلاب الکترونیک در دستگاه قضا به نام

اژه‌ای یا شهریاری مساله این است؟!

رقابت میان شهریاری و محسنی اژه‌ای بیشتر است اما تجربه محسنی اژه‌ای نسبت به شهریاری او را به کرسی ریاست دستگاه قضا نزدیک تر می کند با این حال جوانی، پویایی و نخبگی شهریاری با او برابری خواهد کرد.

اصلی همبستگی افکار متفاوت اصولگرایی در انتخاب رئیسی است. همین تفکر در مورد انتخاب محمود احمدی نژاد هم شکل گرفت و تمام اصولگرایان در دولت نهم به اتفاق رای به محمود دادند. هر چند افکار و روش کار رئیسی با احمدی نژاد کاملاً متفاوت است اما گرایش های اصولگرایی از تندرو و میانه تا سنتی توقعات سیاسی زیادی از رئیسی خواهند داشت و اگر میسر نشود از منتقدان خاکستری او خواهند شد و این ضربه خاموشی است که این سید خراسانی باید از آن هراس داشته باشد. تاریخ نشان داده که به اصولگرایان و اصلاح طلبانی که در سیاست بزرگ شده و مشق کرده اند باید بیشتر از دشمنان ترسید. آنها برای رسیدن به اهدافشان از هیچ کاری دریغ نمی کنند. حالا چه ترور سعید حجاریان، قتل قاضی منصوری، قتل فروهر، کوی دانشگاه، تسخیر سفارت عربستان و انگلیس باشد یا حمله به ظریف یا حمله بادمپایی به محمود احمدی نژاد ... فرقی ندارد. بهتر بود هیچ وقت آیت الله رئیسی دست به این ریسک بزرگ سیاسی نمی زد و حالا که وارد شده شائبه یک سیاست کلان دیگر تقویت می شود که گروهی آن را احیای پست نخست وزیری و گروهی دیگر هم ... بماند! حالا اگر او پیروز میدان شود با موحی از خواسته های مردمی همراه است که گره آن با تقویت نظام پولی و بانگی و اقتصاد کشور میسر است اما درآمدهای عمومی می چالش جدی روبرو است و کشور با کسری بودجه همراه است. معجزه از رئیسی غیر قابل باور است مگر آنکه تدبیری رخ دهد و او از بهترین مهره های تخصصی برای مدیریت اقتصادی و سیاسی کشور استفاده کند. هر چند با انتخاب تیم انتخاباتی او مشت رئیسی باز شده و روشن است که تیم حرفه ای در میان نیست. مگر آنکه هر چه زودتر چاره ای اندیشیده شود تا باوراندک افرادی که پای صندوق رای می آیند از بین نرود. اما در آخر بعنوان یک روزنامه نگار ضد فساد باید بگویم که وقتی بدنه و سیستم دچار فساد شود هیچ مدیری قدرت اصلاح امور را نخواهد داشت و باید انقلاب اداری رخ دهد.

مهر تابان/ رد صلاحیت علی لاریجانی و اسحاق جهانگیری شاهکار شورای نگهبان قانون اساسی بود و باید دست و پنجه آنها را بوسید. شاید بگوئید قلع و قمع اصلاح طلبان مشارکت انتخاباتی را ۵۰ درصد کاهش داده و نفرت سیاسی به نظام را از سوی گروهی از جامعه به همراه خواهد داشت. بله این تحلیل درست است اما باید مردم ایران به ویژه مردم خاکستری و اصلاح طلبان روشن شوند که جریان اصلاحات در تربیت شخصیت ها و مدیران شایسته همانند اصولگرایان شکست سنگینی خورده اند. چرا باید خزانه مدیران اصلاحات خالی باشد که به سراغ علی لاریجانی و اسحاق جهانگیری بروند و یا اینکه چرا باید سید مدیران اصولگرا آنقدر خالی باشد که به سراغ رئیس قوه قضائیه برای ورود به مدیریت کلان اجرایی بروند؟ این یک زنگ خطر و هشدار برای نظام و حکومت محسوب می شود که رهبر انقلاب بارها در مورد تربیت نخبگان و مدیران کشور گوشزد کردند اما مافیای قدرت عکس رهبری را پشت سر خود نصب کرده و عکس رهبری حرکت کردند. به اعتقاد من کاندیداتوری آیت الله رئیسی بزرگترین ضربه را به شخصیت و جایگاه او خواهد زد. (۱) رئیسی هیچ گونه سابقه مدیریت اجرایی کلان کشور را ندارد. (۲) رئیسی هیچ تیم اجرایی برای مدیریت کشور ندارد و آنچه از سوی اصولگرایان و همفکران سیاسی او تحمیل می شود را باید بپذیرد. (۳) رئیسی هیچ حمایت حزبی و گروهی و تشکلی ندارد. (۴) رئیسی برای موفقیت در انتخابات به گروه های زیادی وابستگی دارد و باید جبران کند و این یک آسیب جدی برای او محسوب می شود. (۵) رئیسی را بعنوان منجی کشور معرفی کردند و اگر شکست بخورد شخصیت و جایگاه او در افکار عمومی متزلزل خواهد شد. (۶) شکست رئیسی شکست دستگاه قضایی و انتخاب شورای نگهبان خواهد بود. همین دلایل کافی است تا ثابت کند که ناخواسته قاضی القضاات کشور در دام سیاست افتاده و سودجویان سیاسی از او بعنوان ابزار استفاده خواهند کرد. در این میان بحران

سردبیر: سید هادی کسایی زاده



خیانت به رئیسی